



### هشدار به راه کارگر!

در پی گرایش به راست روز افزون راه کارگر و نزدیکی این جریان به اپوزیسیونهای بورژوازی نظیر "عورای ملی مقاومت" و اپورتونیستهای خائن اکثریت اخیرا این جریان در کینه توزی و تبلیغات ضد فدائی به طیف بورژوا لیبرالها و چپ نماهای لیبرال که بنگارنده از تلافی خصمانه علیه طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فروگذار نمیکنند پیوسته است. راه کارگر در طی موضعگیریهای ضد فدائی چند ماهه اخیر خود در همراهی با

بقیه در صفحه ۲۱

را اخراج کردند و برای نجات کانه تریسای وحدت بلوچ آئینز عیاد و کهنه کار و تیرنگ باز دیگری را به رویه او تیرنگیده سفیرنگسی ملبس کرده به مطبخ فرستادند تا به نیست شوم و پلید آنان جامه عمل بپوشاند و بر برای

میرمولاداد این آئینز کهنه کار به کمک آئینزی امان الله باران که مدت نزدیک به ۵ سال است ملخ به جای جوجه کباب در مطبخ وحدت بلوچ (بعنوان وحدت غارتگران بلوچ) برای سلطنت طلبان مزدور میپزند و در مقابل



بالاخره خواهی هم فهمید!

خلق بلوچ شرنک در پیاله کند  
سلطنت طلبان به کوبیدن آب در هاون و  
شیرجه در فنجان چای مشغولند. آنها به  
خیال خام خودشان به سازمان نمی "مبارزه"  
علیه جمهوری اسلامی بقیه در صفحه

جیره های کلانی دریافت می کنند و آنقدر نمک  
روی ملخ ریخته بودند که بختیار و همبالگیا  
از فرط خوری فغانن به هوا رفت و بنا  
عربده های پوچ چنگ به کله طاس امان الله  
باران و موهای میرمولاداد انداخته و آنها

## یادشدهای تیرماه گرامی باد

★ اول ماه مه  
روز همبستگی

مبارزات کارگران سراسر جهان

گرامی  
باد



## بررسی تحولات اجتماعی بلوچستان و وظایف ما (۷)

ما در شماره های قبیل نشان دادیم که بلوچها دارای صفات و ویژگیهای یک ملت هستند. از زمانهای دور در سرزمین فعلی شان با اقتصاد مشترک میزیسته و حواتج اقتصادی و اجتماعیشان را با یکدیگر مشترک برآورده و دارای روحیات و خلقیات مشترکی میباشند. این ملیت تحت ستم گرایش ناپیونالیستی ملیت حاکم و امپریالیسم قرار داشته و اعمال کننده ستم ملی نه ملت حاکم که بورژوازی حاکم میباشد. طبقه ای که قدرت سیاسی را تیز در دست دارد و کارگران و سایر زحمتکشان ایران را استثمار میکند.

مسئله ملی یکی از مسائل مورد متناحره در میان نیروهای انقلابی در بلوچستان میباشد. سازمان چریکهای فدائی خلق بدین مسئله بقیه در صفحه ۳

## در این شماره

پیرامون افشای ... صفحه ۲

## اخبار





### گزارش ... بقیه از صفحه ۲۲

مجلسه زیرست می کنند اطلاع  
تی در زمینه ترکیب لشکری مسلح وجود عناصر  
مربط الی و طرفدار رژیم داشته باشیم . از  
معداد افراد باسواد و بیسواد اطلاع داشته  
باشیم . از راه های فرار و وضعیت کوچک  
اطلاعاتی کسب کنیم . مدت زمان پخیرا از قبل  
بدانیم . از انداختن اعلامیه در خانه های  
مربط الی خودداری کنیم . از وجود گشت های  
پلیس در زمان های مختلف عبا نه روز در مسلات  
اطلاع داشته باشیم . فاصله پایگاه نزدیکترین  
مرکز سپاه و پلیس را تا منطقه پخیرا بدانیم .  
از چگونگی گشت های آرایش نیروها و سایل موتو-  
ری میزان تحرک دشمن اطلاع کافی داشته باشیم  
وسيله موتوری خود را قبل از هر چیزی چک کرده  
و به معیوب نبودن آن اطمینان کامل داشته  
باشیم . در هنگام پخیرا زمان های مناسب  
برکنیم . مقدار اعلامیه همراه متناسب با  
میزان پخیرا باشد . و خود را چک کرده از حمل  
هرگونه مدارک در دار پخیرا کنیم . از قبیل  
توجهیات مناسب برای خانه و کار بر آن وقت  
پخیرا داشته باشیم . وضعیت عمومی نباید شک  
برانگیز باشد . و تمام موارد امنیتی دیگر را  
که در اینجا بیان نمی شود را رعایت کنیم .  
رفقا وظایف انقلابی ما را شرایط تدارک قیام  
و نامین رهبری سیاسی در قیام آتی از جانب  
ما تعیین می نماید . هر برك اعلامیه که حضور  
ما را برای نوده ها بازگو میکند هر شعار که  
نمودی از همتی ماست میتواند ما را برای  
نوده ها مطرح سازد . هر چند این اعمال بنقش  
کوچک برسند ولی نقش آنها در مورد نامین  
رهبری سیاسی از عملیات مسلحانه و سایر  
عملیات کمتر نیست و جایگاه ارفع و وسیع تر  
دارند . ما باید متناسب با دوران انقلابی و  
متناسب با توان خود حرکت کرده و هر عمل ما  
باید اثری نگاهل بخشنده روی نوده ها داشته  
باشد و هر عمل باید تاثیر بسج گننده  
نوده ای و رهبری کننده داشته باشد . از هر  
گونه بی خیالی و فرور بیجا بپرو و قهرمان  
بازی حرکتات آناریستی پرهیز کنیم . بلکه  
آباد به از هزار شهرویران یک عملیات موفق  
بپنتر از آنستکه فرصتی به رژیم بدهیم تا به  
ما ضربه بزند . باید پیوسته هوشیار و دقیق  
بود و نباید به رژیم فرصت داد که به اهداف  
عوم و خدانشانی خود که همانا نابودی ماست  
نت یابد . پر واضح است که موفقیت ما بدنبال  
بقای رزمنده و پوینده ما امکان پذیر است  
نباید به بهانه مخفی کاری از کار نت کشید  
و یا حتی نره ای از وظایف خود گاست . نباید  
حتی شرایط و شکنجه و اعدام مانع از ترک  
ما در مبارزه طبقاتی باشد . پیروزی بی شک  
از آن ماست .

## پیرامون افشای برنامه های ائتلافی بورژوا - لیبرالها

### و رفرمیستهای ضد انقلابی توده ای - اکثریتی با سانسریستها

بحران سیاسی موجود اجتناب ناپذیر . تحولات انقلابی و ضرورت مبارزه علیه لیسراسم  
و فرمسم در جهت بنسردا مرانقلاب ، رشد و اعتلای مداوم مبارزه توده ای و زرف ندیرو را فرزون  
بحران سیاسی حاکم بر جامعه ، ضرورت یک رشته تحولات انقلابی در ایران به امری اجتناب  
ناپذیر تبدیل کرده است . بحران اقتصادی و سیاسی موجود پیوسته تضادهای اجتماعی را  
سند می کند و جامعه را بسوی یک تلاطم عظیم پیش می راند . ادامه جنگ سردانه بحران  
سیاسی می افرازد و تضادهای راست از پیش تشدید می کند . مبارزه را در پیش در میسان  
نوده ها دامن می ریزد و شکاف در لایمان هشت خاگمه را عمیقتر می کند . مجموعه شرایط عمومی  
سما ما نارکوکنده اس واقعیت است که بحران پیوسته عمیقتر می شود و رژیم جمهوری  
الامی فادریه اسنادکی در برابر این بحران نتست .  
در حسی شرایطی که حتم انداز تحولات انقلابی بیش از هر زمان دیگر آشکارا می گردد .  
سوررواری هزاران ارطوقاسی که در حال رسیدن است از همه سوا تدا سر مختلف برای مهار  
کردن طوفان انقلاب دست به کار شده است . تجربه چند سال گذشته ، سیاساری و ورشکستگی  
ساکسک مبرور کوب و دیکتا توری عربان و عمان کسخته را برای مهار کردن بحران و قسرو-  
سایر موج حسن به سورروازی ایران نشان داده است . نوررسم عربان و سرکوب دسوانه  
و ار در شرایط سیاسی حاکم بر ایران نه فقط منحربه نه بود و واقع طبعه حاکمه بنده بلکه  
سالفکن دامنه بحران اقتصادی موجود را کسترده سر کرده . بحران سیاسی را عمیقتر نموده و  
سرهید و حد تضادهای اجتماعی افزوده است . اکنون در شرایطی که بحران سیاسی بحرا  
عموما تضادی و سیاسی و جادیدن تضادهای اجتماعی ، مبارزه طبقاتی سار کارگران و سرمانه  
داران و مبارزه عمومی نوده ای علیه رژیم حاکم در حال اعتلای مداوم است سورروازی برای  
مقابله با موج حسن انقلابی و مهار کردن بحران سیاسی نه تا کسنگهای جدید و تدا سر دیکتری  
مسول می گردد . لیسراسم و فرمسم جانی گسرنند و بلوک بندیهای سیاسی و ائتلافیهای  
لیسراسم و فرمسم در حال انکلر کمین هستند . دارودسته های با اطلاع لیسراسم امانال ساررگان  
ار سورا جهای خود بسرو و خریدارند ، شکست ساستهای جناح حاکمه را اعلام می کنند . بر نامه های  
خود را برای حرج و تعدیل سروصفت موجود و مقابله با بحران اعلام می دارند ، بر نامه های گروهی  
سورروازی کسورهای امیرالسنی با آب و تاب بر نامه های لیبرالی را طرح می کنند . دار و -  
دسته های دیگر لیسراسم را در چارچ رکنور نظردا رودسته بنی صدر ، مدنی و منالهم سارل خود را به  
ساررگان سارر می دارند و ما همه اسنها اسد و سبگر می خود را به جناح طرفدار حرج مسی خود در  
درور جاگست می بندند . اسنها بطور کلی وهمگی حواها را حفظ رژیم جمهوری اسلامی و نظم موجود  
آنها ساسا به کردن نفسی ساسون اساسی از سوی سردمداران گسوشی حاکم  
حواها ناکسنگهای لیسراسم و حرج و تعدیل بسیار را جبر در رژیم موجودند .  
دارودسته های لیسراسم اکنون که شکست ساستهای جناح حاکمه گسوشی در همه عرصه های اقتصادی  
و سیاسی آشکارا شده است ساسا سوسدا را دسها ی کذا شی قانون اساسی ما را در دینه جنگ و سوسامان  
دارد و وضعیت اقتصادی کمک هه جناح امیرالسنی و سوسامان می جناحهای سورروازی ایران به  
سدان آمده اند . اسنان در تلاش هستند ، تا چنانچه بتوانند .

بقیه در صفحه ۸

برای برقراری صلحی دمکراتیک ، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی  
علیه رژیم تبدیل کنیم





### بررسی ••• بقیه از صفحه ۱

پاسخهای روشن داده است و ما نیز در حد توان خود سعی کرده ایم با این مسئله برخورد کنیم. قبل از این بررسی به طرح تاریخی مسئله در بلوچستان می پردازیم.

پایه اقتصادی جنبشهای ملی را اینس مونوخ تشکیل میدهد که برای پیروزی کامل تولید کالاهای بازار داخلی باید بوسیله بورژوازی تسخیر گردد و اتحاد دولتی سرزمینهای که اهالی آنها بزیان واحدی تکلم می نمایند عملی گردد و در عین حال هر نوع مانعی از سر راه تکامل این زیان و تحکیم آن در اطمینان برداشته شود. زبان مهمترین وسیله آمیزش، بشری است. تمایل هر نوع جنبش ملی عبارتست از تشکیل دولتهای ملی که بتواند اینس خواستهای سرمایه داری معاصر را به بهترین وجهی برآورده نماید. محرک این قبیله عمیق ترین عوامل اقتصادی است و باینجهت برای تمام اروپای غربی و حتی برای تمام جهان متقدم تشکیل دولت ملی برای دوران سرمایه داری جنبه عمومی و عادی دارد. (لنین - حق تعیین سرنوشت)

سابق برای بلوچستان بین طوایف و قبایل تقسیم میشد. بزرگترین این طوایف طایفه بارکزائی بود که بر بخش علییسی از بلوچستان تسلط یافت و شیوه حکومتی آنها فتوئالی بود. طایفه بارکزائی به حکومت خراج میپرداخت و در غارت و استعمار خلیج آزادی تام داشت. طوایف و قبایل تحت حاکمیت حکومت ملوک الطوایفی آنها ی بارکزائی عمدتاً به کار کشاورزی (رعابا) و دامپروری مشغول بودند. به طایفه غارتگر بارکزائیها مالیات جنسی و پولی (پول تجری و فرنگی) و بیگاری میپرداختند.

مناطق خارج از حکومت طایفه بارکزائی در مناسبات قبیلها ی روزگار میگذرانند و در بحثهایی نیز طوایفی برجسته شده و برای خود حکومتهایی تشکیل داده بودند. (طایفه سرارزهی)

تولید کنندگان دامپرور و کشاورز و قبایل پشه ور اجناس خود را در مقابل هدیه دیگر معاوضه میکردند. دامداران فرآورده های حیوانی را در مقابل غلات و پارچه و خرما و حبوبات معاوضه میکردند. پشه وران نیز در جوامعی که کشاورزی عمده بود زندگی کرده و ساخته های خود را بر معروض معاوضه قرار میدادند. ساخته های پشه وران که عبارت بود از ابزار کار (دام، بیل، کلنگ، خیشی) توسط خود آنها معاوضه میشد. عناصر رابطه بیسن تولید کنندگان اندک بود و تجار در حالت جنبشی بودند.

با تسلط انگلیسی بر شبه قاره هند، پول رنگی و پارچه های ساخته هند، فناوری از بلوچ ها را بیکار تجارت کشاند و این روند با تسلط کامل حکومت فتوئالی رنغاها بر بلوچستان و گدایش با زارهای جدید برای کالاهای کشور همجوار گسترش یافت از این پس تولیدات ملی و محلی بلوچستان نیز در این جریان مبادله قرار گرفتند و نطفه های تجار بلوچ در جوار تجار نارس بسته شد و با رونق مبادله کالاهای امپریالیستی قوام یافت.

در اوایل کالاهای ساخته دامداران (پشم، پوست، مخمیر و دام) و بنفرت محصولات کشاورزی در این روند قرار گرفتند که قادر به رقابت با کالاهای مشابه کشور همجوار نبودند و تولیدات بیشتر در محل و حمایت از تولیدات محلی نداشتند. برای آنها کسب سود در درجه اول اهمیت قرار داشت. رشد تجارت که هرگز به سرمایه گذاری در سرزمینهای بلوچستان نیا نجامید ما مبادله کالاهای غیر ملی همراه بوده است و هیچ انگیزه ای برای دولت ملی و تکامل زیان نداشتند. در نیمه بورژوازی از صنعتی و حامی تولیدات ملی مبارزه ملی برای رهایی ملی و برابری ملی از ضعف همه جانبه ای برخوردار بوده است. خوانین و تجار با حکومت پهلوی در ارتباط نزدیک قرار داشتند و هموار کنندگان ستگری حکومت مرکزی در بلوچستان بودند. می بینیم که پایه های اقتصاد دی و زمینه مادی شکل گیری جنبشهای ملی در بلوچستان است بوده اند.

اولاً بازارهای داخلی وجود نداشتند که به وسیله بورژوازی تسخیر گردد و بورژوازی صنعتی هنوز متولد نشده بود که بازارهای ملی را تسخیر کند و آنچه که در نطفه شکل گرفت در نطفه خفه گردید. اقتدار طبقات دیگر ملیت بلوچ نه تنها حاکمیت گرایستی ناسیونالیستی ملیت حاکم را نمی پذیرفتند بلکه به آنها مختلف مبارزه و تنفر خود را ابراز میداشتند. این مبارزات ناپیچگی، متفرق و بدون گرایمات عمیق اقتصادی بوده است. خروج و یابگی گری و نشان دادن تنفر خود از مأمورین و تر پاره ای موارد قیامهای محلی اشکال مبارزه بر علیه ستگری ملی را نشان میدهد. اما مبارزه ای همه جانبه علیه ستگری ملی با انگیزه های تشکیل دولت ملی وجود نداشتند است ولی انگیزه رهایی و برابری ملی در بین اقشار زحمتکش موجود بوده است برای اولین بار اندیشه برابری ملی در پیرو قیام ۵۷ توسط روشنفکران مترقی بلوچ بسیار تاثر از اندک آغاز شده و مبارزات شکوهند خلق کرد در بلوچستان دامن زده شد. در این میان نقش نیروهای کمونیست بالاض هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق در بیداری اندیشه های مبارزاتی خلق بلوچ در زمینه طبقاتی و بقیه در صفحه ۱۰

ملی انکارناپذیر است. قبل از آنکه به نقش هواداران سازمان در این مبارزات و تعیین راستای حرکت بپردازیم حالی از اهمیت نخواهد بود که موضع سایر جریانات را بررسی کنیم.

اولین برنامه مدونی که در رابطه با برابری ملی در مقابل خلق بلوچ قرار گرفت از سوی سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان بود این جریان که در زمستان ۵۷ بهمت عده ای از روشنفکران تحصیل کرده بلوچ اعلام موجودیت کرد و برابری ملی را در رأس برنامه مبارزاتی خود قرار داد ولی درک روشنی از چگونگی تحقق این خواست و رابطه اش با مبارزات سراسری نداشت. برنامه که حاوی نکات کمونیست طرح مسئله ملی بود نه تنها طریق تحقق اهداف مبارزات ضد ستگری را نشان نداد بلکه خود رفتار را عملهای بورژوازی ند که با آوردن حذرت و القاب خدا امپریالیستی در کنار قص خود را به تعیین می گذاشت.

در بند ۴ برنامه سازمان دمکراتیک می خوانیم: "سازمان ما در عین اعتقاد داشتن به حقوق دمکراتیک خلقهای ایران با شروع تجزیه طلبی که از طرف هر گروه و یا هر بهائای عنوان خود مبارزه نموده و با هر گونه دخالت بیگانگان مبارزه خواهد کرد."

مد دمکراتیک ترین و ناسیونالیستی ترین حکومتها خود را مردمی ترین و دمکراتیک ترین حکومتها میدانند و آنها هیچگاه انضا نمی کنند که به حقوق دمکراتیک احاد ملت و اقلینهای ملی معتقد نیستند و اما هرگونه مبارزه حق طلبانه و برابری طلبانه ملی را به بهانه تجزیه طلبی و ضد ملی بودن و بطرف افتادن معاد لح ملی بشددترین وجه سرکوب می کنند و دخالت بیگانگان را محکوم نموده در عین حالیکه به امپریالیسم اجازه میدهند آزادانه به غارت دسترنج زحمتکشان و ثروتهای ملی ملل تحت ستم بپردازند.

عنوان کردن مبارزه با تجزیه طلبی را چنانچه بحساب هراس نویسندگان برنامه از حکومت پهلوی ندانیم باید افغان کنیم که نویسندگان برنامه درک فوق العاده حقیری از چگونگی مسئله ملی داشتند آنها فراموش نمودند بودند که مسئله ملی چه معنایی دارد. لنین در حق ملل در تعیین سرنوشت می نویسد:

"منظور از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش یعنی حق آنها در جدا شدن از مجموعه ملتها ی غیر خودی و تشکیل دولت مستقل"

بنابراین می بینیم که درک سازمان دمکراتیک از مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت به چه اندازه نا آگاهانه و ابتدائی است. سازمان دمکراتیک به بهانه اینکه آنها تجزیه طلب نیستند و صرفاً حقوق ملتی محروم و فقیر را طلب می کنند به چنان منجابی گرفتار می آید که امروزه مجاهدین نیز در آن

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

اخبار

سراوان - اواخر اسفند ماه ۳۳ :

فئات زحمتکشان روستاهای محلی و دینتون کولو و اسیجی با هم گفتار که توسط فردی سوجو سدود شده بود غضب بندگان شدن آب گردیدند . اهالی جمعگیی دسته جمعی به پاسگاه رفته نا حوالهان سنگبری و مجازات فرد سوجو بودند و غرامت خرابی تفتار را از وی بخوانند به سحر ورود زحمتکشان به پاسگاه . رئیس پاسگاه چون از حرام جمعیت را می بیند وحشت زده دستور آماده باش میدهد . مزدوران رژیم که خواب راحت ندارند و پیوسته بر هزار دانه از زحمتکشان سر میبزنند هاینبار نیز خیال میکرده اند که مردم برای خلع سلاح پاسگاه آمده اند . اما دیر نیست آروز که تمامی مراکز سرکوبگر بکست مردم فتح گردند . رئیس پاسگاه فرمان تیر خاثر میکند . زحمتکشان دم در پاسگاه متوقف میشوند . رئیس پاسگاه از دور هفت مردم را میبرد . مردم ماجرا را با باز میگویند . تر همین اثنا عده ای دیگر از زحمتکشان برد سوجو را سنگبر کرده به پاسگاه می آورند . مردم به وی حمله ور شده او را مشروب مینمایند . رئیس پاسگاه برای نجات فرد سوجو لحالت میکند اهالی بسکه رئیس پاسگاه نیز حمله ور میشوند و اورا نیز مشروب مینمایند . رئیس پاسگاه از زیر مشت و لگد مردم فرمان تیر میدهد . مردم از عمل خود دست می کشند . رئیس پاسگاه یکی از افراد را بازداشت میکند . جمعیت به داخل پاسگاه میروند دوباره رئیس پاسگاه دستور تیر را تکرار میکنند . اهالی تا باره کردن دکمه های پیراهن و سپر نمودن بسکه به رئیس پاسگاه میقیانند که قوی تر از آن هستند که از تهدیدات مزدوران بهرامند . مردم به رئیس پاسگاه تهنیت میزنند که چرا معتقد نیستید . شلیک کنید . مردم با قدرت اتحاد خود فرد بازداشتی را نجات داده و از فرد سوجو نیز ۳۰۰۰۰ تومان غرامت خرابی فئات دریافت میدارند و خانه اش را که روی جلیقه های جیب است تیرت نموده بود تخریب میکنند .

توضیح : این فئات یکی از بزرگترین و پراکنده ترین فئاتی است که هزاران زحمتکشان در آن سیم دارند و از طریق کار روی زمینهای خود امرار معاش میکنند . مالکیت روی این فئات و زمینهایش خرد میباشد .

سراوان

در مورخه ۳۳/۱۲/۲۱ ساعت ۴ بعداز ظهر در خیابان آزادی کمیته ایهای خانن اینسن نوکران سرمایه به دستفروشان کنار خیابان حمله ور شده به آنها اعطای میکنند که بساط خود را جمع کنند . زحمتکشان دستفروشان در مقابل تهدیدات سرمایه ایسنادگی کرده میگویند این تنها راه تهیه معارج زندگی ما می باشد در صورتی حاضر به ترک دستفروشی هستیم که به ما کار بدهید . کمیته ایهای خانن و مزدور از آنجا که هیچ عمی جز سرکوب مردم ندارند جواب میدهند بجا مریوض نیست که کار بپسندیم خود . آنها در مقابل مقاومت دستفروشان دست به حمله میزنند دستفروشان مقاومت میکنند و بر این درگیریها ۴ نفر زخمی میشود که به بیمارستان انتقال می یابند .

ایران شهر - اسفند ماه ۳۳ :

مزدوران انجمن اسلامی کارخانه با کست بلوچ به نیابت از طرف کارگران تر و دیوار کارخانه را مملو از شعار حد انقلاسی " شعار هر کارگر اطاعت از امام است " می کنند . بر نهم دین ماه کارگران زیر این شعار اینطور نوشته بودند : " شعار هر کارگر مرگ بر امام است " نوشته شدن این شعار ختم و غضب مردمی انجمن اسلامی را برمی انگیزاند و از آن تاریخ بدون کارخانه کنترل بیشتری اعمال میشود .

زابل - اسفند ماه ۳۳

زندانیان سیاسی بلاتکلیف کست به اعتصاب غذا زدند .

در پی بوری رژیم به سازمانهای انقلابی و سنگبری و شکنجه و اعدام انقلابیون اخیرا تعدادی که بقول رژیم مشکوک بوده اند در منطقه سنگبر شده اند . چند نفر از آنها فرزندان زابل برای اینکه تکلیفشان مشخص شود دست به اعتصاب غذا میزنند . بعد از ۳ روز اعتصاب غذا خاک ترخ دادگاه انتقال زابل همه را به حبس های طولیل العتد از ۳ تا ۱۵ سال محکوم نموده است .

زابل - اسفند ماه ۳۳

اعتصاب کارگران شرکت ساختمانی در زابل :

تمام کارگران شرکت ساختمانی زابل دست جمعی جهت افزایش حقوق و دریافت منظم و به موقع حقوق خود دست به اعتصاب میزنند . بعد از چند روز تمام کارگران اعتصابی دست جمعی بندی نما تزاری رفته و در آنجا خواسته های خود را مطرح می کنند . فرمانتدار وعده میدهد که عن رسیدگی به خواسته های آنها عربان را حمله دهد . کارگران خونخوار

بسر کار باز میگردند . کارگران توانستند بر پایه اتحاد و یکپارچگی خود به خواسته های خود برسند .

زاهدان - نیمه دوم اسفند ماه :

نمایندگان دارائی سیاه و کمیته سه و عربانی ، این ارگاتبا سرکوبگر برای اخادی در پوشش مالیات از مغازه داران جزو بسکه چهارراه رسولی می آیند . آنان در مقابل دادن یک قبضه اجناس و کالاهای فراوانی را بسا خود میبزنند و میگویند چنانچه مبلغ نوشته شده در قبضه را بعنوان مالیات ندهند . اجناس آنها به حراج گذاشته خواهد شد .

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که با بحران اقتصادی عسقی روبروست اینک به شمع ترین روشها روی آورده و از طریق چپاول مستقیم و غیر مستقیم دسترنج مردم زحمتکشان تلافی دارد کسری بوجه را جبران نماید .

ایران شهر - فروردین ماه ۳۳ :

طی یک درگیری مسلحانه بین افراد مسلح با پاسداران حدود دو نفر کشته و چندین نفر دیگر از پاسداران مجروح شده که توسط افراد مسلح بلوچ به گروگان برده میشوند و ماشین پاسداران سوزانده میشود . این عمل بلوچها مسلح رعب و وحشت در دل مزدوران رژیم در منطقه انداخته است . در ضمن تازگی چند تن از کمیته چها که در سال گذشته توسط افراد مسلح بلوچ به گروگان گرفته شده بودند ، پیدا شده است .

زابل :

رژیم جمهوری اسلامی ایران سراسر زندان شده را هر روز بر مردم تنگتر کرده و بسا هراس از جنس اوج یابنده توندها به گسترش زندانها پرداخته است و دست زماشی که از پرداخت حقوق کارمندان بدون پایه در سطح استان عاجز است اقدام به تاسیس زندان زابل با هزینه ای بالغ بر ۵۰ میلیون تومان نموده است . مغافل از آنکه این تکتب نیا موخستن از تاریخ است تاریخ فروریختن باروه های قدرت و استبداد در سراسر جهان فروری گسه هیچ بقدر محکمی در مقابل سبیل توندها ایستادگی نمی تواند و دیر نیست آروز .

بقیه در صفحه ۵



پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



# بقیه از صفحه ۴ اخبار

زاهدان :

بدنبال شکنجه‌های وحشیانه مزدوران رژیم در زندانها و اعدامهای مخفیانه انقلابیون در سیاهبالا این بار جلد علی رفیق فدائی ایوبی را بزرگ شکنجه‌های وحشیانه خود به‌شهادت رسانید. پس از شهادت وی مزدوران به خانواده شهید اخراج دادند که دخترشان به‌لذت‌گفته درگذشته است و این برخلاف رای پزشکی قانونیست که شهادت رفیق را ناشی از اعمال شکنجه اعلام کرده است.

ایران شهر - فروردین ماه ۶۴ :

استعفا و تردد نیروهای سرکوبگر همچنان ادامه دارد تاکنون چندین نفر از اعضای سپاه و کمیته‌های این شهر استعفا داده که با استعفاي چندین نفر موافقت نیز شده است و چند نفر بدلیل سرخشنوی و تردد به زندان انداخته شده‌اند و بازداشت شده‌اند. هم چنین موج فرار پاسداران و کمیته‌های در منطقه فزونی گرفته و این استعفا و فرارها به افراد رده بالای سپاه هم سرایت کرده است. در این رابطه حسین سرگلزایی زندانیان و جلد و شکنجه‌گر زندانیان سیاسی در زاهدان ( زندان دانشگاه ) استعفا نموده است.

خاش - فروردین ماه ۶۴ :

بدنبال آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی دربین آنان یک نفر که متاعیر خود را به‌لذت شکنجه‌های نرون و ساطنی جمهوری اسلامی از دست داده است به چشم می‌خورد. با آنکه بستگان وی او را برای مداوا به مشهد برده‌اند ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌اند. این سومین فردی است که تا بحال در بین آزاد شدگان از زندان به چنین وضعی دچار شده است.

## با کمکهای مالی خود

## سازمان رایاری رسانید



زاهدان :

حاجی بهرام رئیس کمیته‌های استان میزاد کثیف و هروئین فروشی بزرگ منطقه پناز گیسوا سه تن هروئین را در پوشش کیشه گونیهای کود از زاهدان به تهران می‌فرستد. ماعین حاصل هروئین ها نزدیکی تهران تعادف میکنند و کیشه گونیها پاره میشوند و میج این مزدور جانی و رژیم کثیف باز میشود. بامی اشتر بارها اعلام داشته است که خود رژیم بزرگترین عامل پلین مواد مخدر میباشد و این هم آخریمن جنایت این جنایتکاران.

زاهدان - ۱۲ فروردین ماه ۶۴ :

زحمتکشان که پیوسته مورد ستم و استثمار عدید قرار دارند از کوچکترین امکانات اولیه زندگی بی بهره‌اند و فرآلودگها و بی‌قولیهای گلی بسر می‌برند. در مقابل باران و سبل و ۰۰۰ هیچگونه امتیثی نداده و همواره زندگیشان تهدید میگردد. چندین باب منزل گلی در منطقه کریم آباد زاهدان به علت ریزش باران خراب شده و ساکنین آنها به خیل وسیع آوارگان و بی خانمانان جامعه افزوده شده‌اند. رژیم جلد که در فکر خالی کردن جیب مردم و فرستادن بگام جنگ میباشد در ماهیتش نیست که ب مردم کمک بکند و مردم زحمتکشی نیز بخوبی اینرا با گوشت و پوست خود لیس کرده‌اند.

زاهدان - فروردین ماه ۶۴ :

تشدید سرکوب دهک داران :  
در پی پوزش دیوانه‌وار مزدوران سرکوبگر رژیم به زحمتکسانی که از طریق دکه داری و سیگار فروشی و غیره امرار معاش می‌کنند حدود ۵۰ تن از آنها دستگیر میشوند که تعدادی را با جریمه نقدی آزاد و عده‌ای که نتوانسته‌اند اند جریمه نقدی بپردازند بازداشت و زندانی میکنند.

سراوان - ماه رمضان :

در حالیکه رژیم محلی جمهوری اسلامی با قوانین ارتجاعی خود تمامی زحمتکشان را تحت فشار قرار داده است و به شیوه‌های قرون وسطایی درصدد آزار توده‌ها میباشد بطوریکه بجرم روزه‌خواری آنها را بزرگ خلاقها و وحشیا. نه مزدوران کثیف می‌فرستد. در گروهان ژانده امری سراوان به همه سربازانی که سرروزه نیستند غذا میدهند و اعلام نموده‌اند تمام سربازان و درجه‌داران به دلخواه میتوانند روزه بگیرند یا نگیرند. در تمامی ارگانهای سرکوب رژیم پتشیانی و یا آشکارا اکثر مزدوران روزه خواری می‌نمایند.

سراوان :

اوایل فروردین ماه ۶۴ - بدلیل در دستگی و بی بست رژیم در تامین بودجه معارج جنگی دست به صدور فتوا برای تهیه پول از معارضه داران و کینه شهر و روستا زده است. فرمانداری نیز به ادارات اعلام نموده که یکروز از حقوق کارکنان خود را کسر نموده و نتیجه را به فرمانداری گزارش کنند اما کارکنان اداره‌ها ت که حقوق آنها خواستگاری نیازهای خوبان نیست و حتی همین مقدار هم به موقع پرداخت نمی‌شود غنچه‌ها اعتراض می‌نمایند. و می‌گویند کمک‌ها همه‌ها نباید حالت اجباری داشته باشد مگر کسی مایل است میتواند تقاضا پرداخت کند.

بم بست :

با وجود تلاشهای زیاد رژیم در سرایز - گیری جوانان منطقه بم بست تاکنون موفق نگشته و حتی یک نفر از جوانان این منطقه بم سربازی نرفته‌اند. بطوریکه از پانزدهم هزماه سرباز- گیری اجباری از طرف رژیم آغاز میشود ولسی سربازها پس از چند روز قرار می‌نمایند به تازگی از منطقه اسپنج از حومه‌های سراوان نیز چند تن فرار نموده‌اند و این فرارها در تمام جبهه‌ها ادامه دارد. بدینگونه توده‌ها و فرزندان آنان مخالفت خود را با جنگ ارتجاعی ایران و عراق نشان میدهند و بیزارای خونرا از رژیم ضحلفی به طرف مختلف بیان میدارند.

در پی جاد شدن تضاعی عمیق دربین جناحهای حاکمیت شاهد تعویض اکثریت رؤسای ارگانهای رژیم در منطقه سیستان و بلوچستان می‌باشیم. بطوریکه اخیرا رئیس دانشگاه بلو- چستان عوض شده رئیس سپاه پاسداران سیستان و بلوچستان و رئیس آموزش و پرورش سراوان از مناسب خود اخراج شده‌اند. رژیم در بحران عمیقی دست و پا می‌زند و به آخرین تلاشهای خود جهت تثبیت پایه‌های بوسیده‌اش دست می‌زند ولی دیری نخواهد پائید که بساطش بشکند و توائی توده‌ها برچیده شود.

سراوان - کله گان :

اخیرا قراردادی بین رئیس پاسگاه کله- گان و کلیه قاچاق فروشانی که از این مسیر می‌گذرند منعقد شده است طبق این قرار هر شخص قاچاق فروشی که دارای ماعین میباشد باید ماهانه مبلغ هفت هزار تومان به رئیس پاسگاه تحویل دهد تا بتواند آزادانه در این مسیر رفت و آمد نماید در حالیکه زحمتکشان بعاظر داشتن يك کارتن پفک یا پوستر بازداشت و مورد اذیت و آزار این مزدوران قرار می‌گیرند. بقیه در صفحه ۶

# مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

بقیه از صفحه ۵

### اخبار...

۱۳/۱/۷۲

طبق معمول هر روزه دسته‌های اوباش حزب الهی در خیابانهای تهران مانور داده و به ادبیت و آزار جوانان پرداخته و به بهانه مبارزه با بی‌حیایی آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند. در روز چهارشنبه ۱۳/۱/۷۲ نیز حدود ۶۰ نفر زن حزب الهی بعلاوه ۲۰ نفر مرد و تعدادی موتورسوار در حالیکه شعارهایی بر علیه بی‌حیایی میدادند در خیابان ولیعصر پراغ افتادند. آنها در سر راه خود یا دخترها و پسرها درگیر شدند در سر راه یوسف آباد دو مورد پاره کردن شلوار لی پسران دیده شد و مردم با نفرت به آنها نگاه میکردند.

فروردین ماه :

وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه‌ای از نیت نام دانش آموزان جنگرده سرباز میزننده بدنیاال بیداران شهرهای مختلف ایران تراوایل فروردین والدین دانش آموزان مناطق جنگلی نظیر کرمانشاه و همدان تصمیم گرفتند که فرزندان خود را به تهران بفرستند تا سه درسیان آن ادامه دهند. اما آموزش و پرورش تهران از نیت نام آنها خودداری کرده و گفته است که باید به مناطق خود برگردند (لازم به تذکر است که در این مناطق مخصوصاً کرمانشاه مدارس تعطیل است و دانش آموزان در روستاهای اطراف درس میخوانند و معلمین نیز حکم تدریس در روستاها را گرفته‌اند.)

فروردین ماه :

بعد از تظاهرات شکوهند مردم آستان و نازی آباد معذب الهی‌های سایر شهرها بدست وحشت کرده و بسیاری از آنان با گرفتن تماس تلفنی جویای چگونگی واقعه شدند و تعدادی که در بانکها پول داشتند بهولت‌ان را بیرون کشیدند. یکی از همین حزب الهی‌ها به دوستش توصیه میکرد که بدلیل ناامن بودن اوضاع و احتمال وقوع هر حادثه‌ای بهتر است اگر پولی در بانک دارد بیرون بکشد.

در کوی آستان بعد از تظاهرات با شکره مردم رژیم نوعی حکومت نظامی اعلام داشته است. برای کلیه اهالی کوی آستان کارت شناسایی صادر شده و بصورت پادگان نظامی اداره میشود. اهالی محل حق ندارند مهمان دعوت کنند.

گفته میشود ۶۰ نفر و بقولی دیگر ۲۱ نفر از دستگیرندگان جریان ترگیری سیزده آبان تهران اعدام شده‌اند.

گفته میشود که در حمله اوباشان حزب الهی بمردم در بعضی مناطق از جمله میدان ونک و تخت جمشید مردم با آنها درگیر شده و کتک مغضی با آنان زده‌اند.

۱۳/۱/۷۲

وزیر آموزش و پرورش (اکرمی) جهت ایراد سخنرانی بکرج رفته بود و مدیر یکی از مدارس راهنمایی سخنران شرکت در نماز جمعه را اجباری اعلام کرده بود با اینحال از ۶۰۰ دانش آموز تنها ۱۰۰ نفر در نماز شرکت کردند که آنها معاطرفشان دادن اخلاق غیر اسلامی!! از طرف مدیر مورد توبیخ و تنبیه لفظی قرار گرفتند.

بدنیاال اعلام تهدید به بمباران مناطق مسکونی از طرف رژیم عراق مردم تهران مجدداً دچار ترس شدید شده و هر کدام بدنیاال یا نشن پناهگاهی هستند معده‌ای بیابانهای اطراف را ترجیح میدهند و تعدادی دیگر روستاهای مناور راه بعلاوه عده‌ای خواستار ماندن در شهر و مقابله با رژیم خمینی هستند.

در جریان بمباران منطقه خزانته تهران معده‌ای از مردم اطراف بمنظور کمک در محل جمع شده و تعدادی جنازه بیرون میکشند اما بلافاصله پاسدارها و کشته‌ایها سرسیده و مردم را متفرق میکنند و بعد از آنکه حدوداً بیرون می‌آوردند بقیه جاها را با بولنزر مانت کرده و باقی مجروحین و کشته‌ها را مدفون میکنند.

بطور وسیعی بین مردم شایعه است که در جریان بمباران همدان یکی از حماسهای شهر بلکلی ویران میشود. تعداد کمی مجروح قبل از رسیدن پاسدارها بیرون کشیده میشوند ولی بعضی رسیدن پاسداران به محل به بهانه اینکه مسئله شرعی و نامحرمی مطرح است مانع بیرون آوردن مجروحین و جنازه‌ها که عموماً زنان بوده‌اند میشوند و با بولنزر آنها را با خاک یکسان میکنند.

رژیم جمهوری اسلامی برای کشتادن جود آنان به حبسها به ترفند تازه‌ای متوسل شده است و آنها انجام هرگونه معامله تجاری نظیر خرید و فروش خانه هماغین و غیره را موقوف به ارائه برک پایان خدمت نموده است و در این مورد بسیار هم مرم و جدی برخورد میشود و تمامی دفاتر ثبت اسناد موظف به ارائه برک پایان خدمت‌طرفین هستند.

راهدان - فروردین ۷۲ :

بعلمت تعمیق بحران اقتصادی و بیکاری ناشی از آن ۲ تن از کارکنان بنیاد شهید بعلمت کمیود بوجه و ناتوانی مالی دولت از کار اخراج و بیکار شده‌اند. تمام ارباب کارکنان اخراجی از زحمتکش ترین افراد بوده و هر کدام دارای چندین نان خور میباشند.

بقیه در صفحه ۲

### زندگی کارگران و

### زحمتکشان در خطر است.

هموطنان مبارز!

بدنیاال گسترش تظاهرات کارگران و زحمت

کشان علیه جنک ارتجاعی و رژیم مرتجع

جمهوری اسلامی مزدوران رژیم برای درهم

شکستن مبارزات مردم شروع به دستگیری مدعا

تن از شرکت کنندگان در تظاهرات علیه

حاکمیت کرده و در بعضی از شهرها تظاهرات

کنندگان را به جوجه‌های اعدام سپرده‌اند.

هموطنان مبارز! تیردهای انقلابی!

زندگی کارگران و زحمتکشان در خطر است

فریاد اعتراضان را نسبت به کشتارهای رژیم

متحدتر و رساتر مازیم.

مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیست دمکراتیک

خلفای ایران

کانون زندانیان سیاسی ایران

(ضد امپریالیست - ضد ارتجاع)

### برنامه‌های رادیو

### "صدای فدائی"

هر روز ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر

روی موج ۶۴ متر و ۷۵ متر

بمدت ۴۵ دقیقه پخش می‌شود.

عین همین برنامه روز بعد

ساعت ۱۲/۳۰ ظهر مجدداً پخش

می‌شود.

برای تماس با رادیو "صدای

فدائی" می‌توانید با آدرس

زیر مکاتبه نمایید.

A.C.A.

B.P. 43

94120 Fontenay sous

Bois France

همه روزه از ۱۰ به ۱۲ ساعت در روز در تهران و سایر شهرها





پنجمه از صفحه ۶

اختیار..

فاندگا، بلوچستان - ۲۸ خرداد ۸۰

در شب ۲۸ خرداد که بعدت یک ساعت بعدت احتمال حمله هوایی در زاهدان خاموشی حاکم بود توده ایها که تعداد آنها از دوالی سه نفر در فاندگا تجاوز نمی کنند از فرست استفاده کرده اعلامیه ها و شعارهایی با امضای دو بار خائن توده و اکثریت را بر دیوار زدند مضمون شعارها بیان این بود: جنک ما نما نسوز هر چه زودتر باید تمام شود مردم علیه کمبود گرانی فقر بی اخیزید و رژیم را سرنگون کنید و آنها غافل از اینند که این شعارها خیلی وقت پیشتر از این از طرف خود مردم مطرح شده اند و آن زمان همین توده ایها می خاشن بودند که مردم را به خاطر مطرح نمودن چنین خواسته هایی همراه رژیم جنایتکار حاکم سرکوب می کردند حالا چه شده که رنگ عوض کرده و به طرح اینگونه شعارها می پردازند توده ها آگاهتر از آنند که با این رنگ عوض کردنها گول بخورند و آنان در زندگی خود دوستان و دشمنان خود را شناخته و آنان را از هم تمیز می دهند.

به یکی از ساواکهای زمان شاه بنام امین سیفزاده که امروزه نیز در شغل پیشین خود یعنی جاسوسی ابقا شده است مبلغ دو میلیون تومان جهت پرورش نهال داده میشود این در حالی است که بیشتر کشاورزان منطقه سوران و بهم بست یا کم آبی بی نظیری مواجه هستند طوری که کشت و زرع آنها در خطر است و بعضی از روستائیان بهم بست به علت کم آبی به روستاهای مجاور عزیمت کرده اند و رژیم کوچکترین اقدامی در جهت رفع این مشکلات کشاورزان نمی نماید چرا که ماهیتا در تضاد با منافع کلیه زحمتکشان قرار دارد.

زابل: از طرف پاسداران روحانیون بمناسبت روز قسراغلام راهپیمائی شده بود آروز جلوتر ضمن تشکیل جلسه ای با هم میگر مشورت کرده و می گویند مردم شهر حرکت نخواهند کرد و مثل جریان ۱۵ خرداد منتقم خواهند شد لهذا تصمیم میگیرند از مردم روستائی استفاده کنند و مردم روستاها را به بهانه دادن قند و روغن و چائی با ماعینهای دولتی به محل می آورند و حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر در این روز راه پیمائی شرکت داده میشوند. بعد راهپیمائی قند و چائی و روغن تقسیم میشود و به عده زیادی نمیرسد و کسانیکه به آنها سهمیه نرسیده بود می گفتند باید اینها فروخ گفتند و کسی دفعه دیگر اگر طلا بدهند ما نمی آیم.

زابل:

بدینال حدکالی و کمبود آب در زابل که از پانزده سال ۳ شروع شده و ناگهسون ادامه دارد کشاورزان منطقه اظهار میدارند که محصولاتشان از بی آبی خشک میشود و دولت برای آنان کاری نمی کند و وضع کشاورزی در زابل روز بروز بدتر میشود. زحمتکشان بهم بست آب اظهار داشته اند که پدر خریداری شده توسط آنان به بار ننشسته و نصف آن مضحیل شده و نصف دیگر را با مشکلات بسیار بعمل آورده اند.

زابل - ۱۷/۳/۸۰:

بعد از برگزاری نماز جمعه در مسجد امام جمعه که از تعداد کم نمازگزاران ناراحت بود ختم خود را نشان فقیر بی پولی کرد که برای کمک به او مراجعه نموده بود و گفت در این مملکت اسلامی با اینهمه عدالت شما هنوز گدائی میکنید و او را به فروغگونی متهم کرد و گفت تو ضامنقلاب هستی و باید محاکمه عوی و ضمن نعاغی به او گفت افرادی مثل شماها آبروی جمهوری اسلامی را می برند. فرد مذکور که امام جمعه را هارتر از آن دید که تصور میکرد برای حفظ جان خود یا بفرار گذاشت.

زابل - ۱۵/۳/۸۰:

از طرف سپاه و مساجد و ارگانهای رژیم و رادیو تلویزیون از مردم خواسته شده بود در مساجد زابل تجمع کرده و برای راهپیمائی مهیا شوند در آخرین ساعت یعنی ساعت ۱۱ صبح تعداد ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از پاسداران و کجیته ایها و سران حزب جمهوری و تعدادی از تجار زابل در این مراسم شرکت کردند و پس از نیم ساعت راهپیمائی تعداد کمی از زنان و دختران حزب الهی به آنها پیوستند و راهپیمائی ساعت ۱۲ ضمن خواندن يك اعلامیه بمناسبت این روز و روز تمیید غیبی به عراق پایتخت یافت مردم آنها را تماشا میکردند و مغازه ها هم باز نبود.

زاهدان - نماز عید:

روز عید فطر عده کثیری از زحمتکشان گرم آمده و قبل از نماز نزد مولوی عید العزیز رفته و از وی میخواهند که در مورد مشکلاتشان از جمله رفتار و خبیانه مزدوران عهداری نسبت به وضعیت منازل زحمتکشان و مشکل برق و آب و قیمت منازلی که در حومه زاهدان نظیر کریم آباد، بهشت گاراها معبد آباد واقع هستند در نماز جمعه صحبت نموده و مشکلاتشان را بیگوئی مسئولین برساند که این مولوی کثیف و جیره خوار رژیم علاوه بر اینکه کلامی از مشکلات و مسائل زحمتکشان بر زبان

نمی راند طبق معمول همیشه دستها برای سلامتی غیبی و یا بیداری رژیم سرمایه بلند کرده که در این حین اکثریت مردم موجود بر عیدگا، آنجا را ترک و روانه منازلشان میشوند.

میرجاوه همنطقه لافر - تیرماه:

دو نفر زاندارم بوسیله ماعین نسیان پترول زاندارم می محموله قاچاق بسوی مرز حمل می کنند که به وسیله گشتی کمیته دستگیر شده و تحویل دادگا ا ارتش میشوند.

سراوان:

در تاریخ ۱۴/۳/۸۰ گشت کمیته در نزدیکی های روستای گلپورگان يك توبوتای و انت ۱۱۰۰ را توقیف می کند. از این ماعین يك کارتن پور و رختشویی و يك کارتن پدک بست می آید. کمیته ایها دو کارتن را بعنوان کالاهای قاچاق ضبط می کنند و ماعین که مغازه دارچینی در بخش جالی بوده اعتراض می کند که من مغازه دار هستم اما اعتراضات وی بجائی نمی رسد و اجناس وی در مورخه ۱۶/۳/۸۰ تحویل گمرک و مبلغ ۳۰۰۰ تومان جریمه میشود و ماعین را تحویل کمیته می دهند که نامبرده موفق میشود بعد از مدتی تلذی و ترسر خوب روی خود را پس بگیرد. این در حالی است که خود کمیته ایها و بسیجیها اجناس و مواد ضروری مورد نیاز مردم زحمتکش محلیانه بفروشی رسانند و از این طریق سودهای کلانی بهیب می زنند و برای سرپوش نهادن به نزدیکیهای خود کارتن پورهای که قبلا توسط خود این جانیان به بازار عرضه شده بعنوان قاچاق توسط خودشان ضبط می شود.

سراوان:

از ۱۷/۳/۸۰ تا یک هفته بعد از این تاریخ هفته جهاد سازندگی نامگذاری کرده بودند و تاریخ ۱۷/۳/۸۰ را برنامه رژه ماعین آلاجهاد میگذازند. بدین منظور جهاد سازنده گی به تمام افرادی که دارای ماعین آلات کشاورزی هستند اعلام میدارد چنانچه در رژه جهاد شرکت نکنند از دریافت سوخت محروم خواهند شد و جهاد ایها به خوراکیهای مزدور خود دستور میدارند که کشاورزان را با بیسل و ابزار کار خود برای رژه تاریخ ۱۷/۳/۸۰ مهیا ورنه زحمتکشان پاسخ دندان شکنی با عدم حرکت خود در مراسم فرمایشی رژیم می دهند و میگویند ما چرا حرکت کنیم این حکومت برای ما چه کرده است ما جاسوسان برویید که برایتان منفعت دارد. معنائان با عدم حرکت خود در برنامه ای جهاد هفته جهاد را بی آبرو می سازند.

پنجمه از صفحه ۱۳

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



بالآخره... بقیه از صفحه ۱

|| پیرامون ... ||

بقیه از صفحه ۲

که در دهه های گذشته با سبک زندگی نوین و تغییرات اجتماعی و اقتصادی که در جامعه ما در جریان است و در صورتیکه این تغییرات را در نظر نگه داریم و در برنامه های خود در نظر بگیریم...

در این زمینه، ما باید به این نکته توجه کنیم که هرچه سریعتر باید اقدامات لازم را برای اصلاح ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور انجام دهیم. این امر نیازمند برنامه ریزی دقیق و پیوسته است...

در این راستا، ما باید به دنبال راهکارهایی باشیم که بتواند نیازهای اساسی مردم را برطرف کند و به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند. این امر نیازمند همکاری و همفکری همه اقشار جامعه است...

در نهایت، ما باید به این نکته توجه کنیم که هرگونه اقدامی که منجر به تضعیف ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور شود، در نهایت به نفع هیچکس نیست. بنابراین، ما باید به دنبال راهکارهایی باشیم که بتواند به توسعه و آبادانی کشور کمک کند...

متغولند و ناکنون مبلبو...  
نہا توانان خرج کردوا ند متعما قبضه ایلحه  
به وحدت بلوچ تحویل داده اند که ما قدم به  
قدم اقدامات اینکسانان را دنبال و افشا  
نموده ایم هر شماره نشریه مطالبی در این  
باره طرح نموده ایم و وابستگی این خائنین  
و دشمنان زحمتکشان ایران را به امپریالیسم  
جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا نشان  
داده ایم.

گرچه هیچ کسی در صحت مطالبی که در عدا  
رهای قبیل نشریه فر این پیرامون طرح شده  
است شک بدله راه نمیبعد مگر خود خوانین که  
آنها را تکذیب نموده اند و به بامی استار  
هزاران اتهام چسبانده اند ما اینک یکی از روزی  
نامه های سلطنت طلبان در مورد مولانا د و اما  
ن الله باران مطالبی طرح کرده است که قال  
بر تائید تمام مطالب بامی استار که طی این  
چند سال منتشر شده دارد و چون امانتهای  
مستقیمی به بلوچهای زحمتکش نموده و این  
سگان کتف را به خلق نسبت داده اند ما  
ناگزیر از برخورد به مطالب این روزی نامه  
هستیم.

روزی نامه هوادار ساواکیان فراری می  
توبند : \* سارقین و راهزنان از سازمان  
وحدت بلوچ اخراج شدند \*  
وحدت بلوچ را بعنوان تفکک طبقاتی  
و نماینده سیاسی خوانین ما قبلا افشا کرده  
ایم ولی اینک بطور اجمالی روشن می کنیم که  
وحدت بلوچ نماینده چیست؟  
هر فرهنگ خلق بلوچ به زحمتکشان عتبار گفته  
میشود و زحمتکشان بفقان و غیرو نیز بلوچ  
خوانده میشوند یعنی کلمه بلوچ مترادف زحمت  
کش است و هر این فرهنگ به خوانین «بلوچ»  
اطلاق نمیشود بلکه به آنان خان یا حاکم  
و سردار گفته میشود و خود خوانین نیز اطلاق  
کلمه بلوچ را بر خود امانت میدادند تمام  
طوایف خان را نمیتوان بلوچ خوانند.

سابق براین و هم اینک در بعدی محدود  
خوانین چندین طایفه بلوچ را زیر سلطه خود  
داشتند و آنان را غارت میکردند. هر زمان  
حکومت دوست محققان ضد انقلاب و سرسپرده  
حکومت قاجاریان که هر اواخر دوره قاجاریان  
بعلت خلف آنان قدرتی بهم زده بود و برصند  
اغتنامی دادن کل مالیات اخذ عده بخود بود  
طوایف خان که بر مناطق مختلف بلوچستان سلطه  
داشتند بشرح زیر است.

۱- بارکزائیها و بر راس آنها دوست محققان  
بر اکثریت سرزمینهای بلوچستان ایران نشسته  
سراوان و بمپور و اطراف و اکناف این  
مناطق قسمت وسیعی از سرباز  
۲- سردارزهها در منطقه دستگیری و قهرقتند  
و اطراف رودخانه سرباز و چاه بهار  
۳- مبارکها در منطقه چانف و آهوران  
۴- میرانیها در منطقه فنج  
۵- میرلاریها در منطقه لشار  
۶- نعمت الهیها در روستاهای سراوان  
بقیه در صفحه ۹





بالاخره ... بقیه از صفحه ۸

### پیرامون ...

بقیه از صفحه ۸

و انجام اقدامات رفاهی عمومی

و علاوه بر این هر طیفه و قسری خواها بحق مطالبات و سر راه اعلامی خود می باشد. اکنون حقوق مطالبات مدامیریا لیستی دمکراتیک و رفاهی توده ها با توجه به سنجاری که در محکشان با پیران طی پنج سال اخیر کسب کرده اند، در کونکونیهای سیاسی انقلابی را در امری احتساب نماید و تبدیل به حتم است.

در چنین شرایطی و طیفه طیفه کارگرو زمان ما به متناهیات آنها از زمانه منافع طبقاتی که در صورت احصا و از سوسع این طبقه مدافع منافع عموم توده های در محکشان می باشد است که در برابر چرخهای رنگارنگ لیبرالی و فرمسی که هدف آنها حفظ نظم موجود است پرچم سرخ انقلاب را همچنان در پیشا پیشا شده ها در اهتزاز نگه داریم. هر چه بیشتر توده ای اعلامی می باشد و بخواهیم ما موجود و حتم تر می گردد. ما منحوی حدی تر و اکید تر از استقلال طبقاتی که در کار رفاغ می کنیم و مانع از احلال این طبقه در جریان لیبرالی و فرمسی بورژوازی می گردیم. ما وظیفه خود میدانیم ما هیت مدافع انقلابی را نه از تجلیاتی لیبرالیسم و فرمسیسم و اختلافهای لیبرالی و فرمسیست که در حال تکلیف گرفتن است در میان توده های وسیع مردم هات و زملازمیم. تکلیف که ما لیبرالیسم و فرمسیسم و انفرادی که در آنها را شرط پیروزی انقلاب می دانیم. ما در برابر تمام می برسانه های لیبرالی و فرمسیست بر تانده انقلابی می مشاریم. ما در برابر دمکراسی و سنا کارانه، مالوسانه، عوام فریبانه و سرودم بریده لیبرالها و فرمسیستها. دموکراسی انقلابی و فرمسیست. ما در برابر سر حقیقت قدرت دولتی بورژوازی و با فرمهای ناچیز از آزوی لیبرالها و فرمسیستها از استقلال تمام می قدرت به طبقه کارگر و دهقانان منسکلیده در شوراهای آزوی راده خلق و در هم شکستن سنا می مایشیل دولتی بورژوازی رفاغ می کنیم. ما در برابر سر حقیقت آنکارا و پیوسته پیوسته دولت حکومت از سوی لیبرالها و فرمسیستها حدی که ملامتکار دولت از مدح را قرار می دهیم. ما در برابر سر خودگردانی لیبرالها و فرمسیستها از حق ملیتها تحت ستم ایرا بدر شعبین سر و نت خود رفاغ می کنیم. ما در برابر سر سدوستهای رفاغی لیبرالها و فرمسیست ها پس از لیبرالیسم. قاطعترین مبارزه علیه لیبرالیسم را طلب می کنیم. ما در برابر سر طفره رفتن لیبرالها و فرمسیستها از حوای هر چه که ملترو عمومی تر مطالبات منسخ کارگرا بود هفتان از جمله ملی کردن کلیه اراضی رفاغ می کنیم. ما سر نامه اعتلا را علیه لیبرالها و فرمسیستها در برابر سر توده ها قرار می دهیم. جنگ بی رحمانه ای را علیه اختلاف های لیبرالی و فرمسیست آغاز می کنیم. بقیه کار ما در راه هر چه بیشتر بیسترا امتلا می باشد توده های وسیعتری سعت برسانه انقلابی می آورند و در اطراف آن مجتمع می گردند.

۷ - در منطقه سرحد با شمال بلوچستان سران اعتبار ریگی معتمد زانی ممبر و بگه نازی میگردند با سقوط دکه و حلال بودالی و بر زمین دوست محمدان تمام خوانین به حکومت پهلوی پیوستند و قدرت آنها از این پس در حکومت مرکزی اذقاف و تداوم یافت و عاملی شدند برای غارت خلق و هموار کننده نفوذ و اقتدار حکومت مرکزی بر خلق بلوچ خوانین هر کدام در نزدیک شدن و خیانت خلق نالی بیستری می کردند و به سایرین حسادت میورزیدند حکومت برای حفظ همگان و اعمال سیاستهای ضد انقلابی خود بخت ایقان به هر کدام مناصبی که از کالت مجلس گرفته تا شهرداری و سرپیوری را واگذار کرده بود. این تقسیم بندی طوایف خانان که بعد از فرم ارضی آنان دیگر نفوذال مثل سابق نبودند و اناامه یافت. بعد از سرنگونی رژیم شاه و منکشی شدن کاخ سلطنت خوانین بگرد رژیم جمهوری اسلامی جمع شدند و امنیت منطقه بدانها واگذار شد و هر کدام مقابلهی اسلحه دریافت داشتند اما بر اثر افتاگری فراوان نیروهای سیاسی و مبارزات متفهم خلق بر علیه این خوانین و ضد انقلابیون آنها مجبور به فرار به کراچی شدند و بر آنجا تفکلی باسم وحشت بلوچ برای فریب بلوچها از محکشان و سرپیردگی به امپریالیستها تشکیل دادند. وحدت بلوچ از نمایندگان طوایف بالا باسم خان تشکیل شده است. این طوایف که زمانی بر بلوچستان بگه نازی می کردند و هر کدام منطقه ای را تحت نفوذ و حکومت ملوک الطوایفی تشکیل داده بود. اینک فقط کلمه خان را بدینال خود یدک می کنند و از نظر ماهیت طبقاتی کارگران امپریالیسم و جزئی از سرمایه داران وابسته البته نه بلحاظ داشتن سرمایه (کارخانه و تجارتخانه) بلکه بدلیل وارثی بودن در حاکمیت و زنجیره امپریالیستی اینک در تذک وحدت بلوچ گرد آمده اند و به سرور بلوچها به امپریالیستها مشولند آنها در خیال خام خود بلوچستان را بیچند منطقه تقسیم کرده اند (یکی از خوانین بر سر تقسیم بلوچستان با دیگران تضاد پیدا کرده بود و حرفی این بود که مولانا دریا زا برانگشته و به وی کوه را داده اند) و هر کدام خود را نماینده اهالی آن منطقه در نزد سلطنت طلبان و امپریالیستها معرفی کرده اند. و روزی نامه مذکور بر این "سر" بودن پای می فشارد. ایقان بر غلات تصور دروغین روزی نامه مذکور سران بلوچ نبوده بلکه غارتگران بلوچها میباشند.

"سران" باعتبار پیمانک و رهبر بودن واقعی بلوچهای زحمتکش نیروهای سیاسی هستند که از کاتال دفاع سرخخانه از رها بیسی از قید سرمایه داری و امپریالیسم با نظام سرمایه داری و امپریالیسم و ضد انقلابیون مغلوب به پیگیری سهمگین مشولند. و همان طور که خود ارگان بقیه در صفحه ۱۲

## حول برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

متحد شویم  
پا خیزیم

جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم

جمهوری دمکراتیک خلق را مستقر سازیم



# پرسی تحولات

بقیه از صفحه ۲

ست و پا میزنند و ضمنی خود را با حق تعیین سرنوشت خلفها آشکار ساخته و مسان بیانه کذائی تجزیه طلبی را - عنوان می کنند. بر فرض محال که این موضع گیری بورژوازی سرنا از ناآگاهی بوده تر بدفعای دیگر متوجه میشوند که نه تنها اشتباهی رخ نداده و ترک نامش نموده بلکه ماهیت برنامه بورژوازی است و چاره ای جز باور ماهیت بورژوازی برنامه باقی نمی ماند.

در مورد اعتقاد سازمان دمکراتیک به آزادیهای سیاسی در برنامه آن بهیض آزادی - های سیاسی میخوانیم :  
" سازمان ما برای آزادی کامل سیاسی، تشکیل هرگونه اجتماعات و احزاب بطریقی که به مصالح کشور و وحدت ملی مردم ایران لطمه نزنند مبارزه می کند ."

مفاهیم تجزیه طلبی ، مصالح کشور و وحدت ملی هر وقت در کنار هم قرار نگیرد تعین ماهیت بورژوازی برنامه بیشتر آشکار میشود محاسب توجه است که این برنامه در زمستان ۵۷ به صورت پیش نویس ارائه شد و بعد از قیام و در زمان جمهوری اسلامی در سطح علنی پخش گردید . مصالح کشور و وحدت ملی را صدی برآورد آزادیهای سیاسی در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی آورده میشود . سازمان دمکراتیک بر این باور بود که در چهارچوب نظام سرمایه داری کس حقوق دمکراتیک - یعنی حق تعیین سرنوشت - امکان پذیر است . میتوان با کسب مناصب اداری و مقامات دولتی از سوی عناصر روشنفکر خلق بلوچ خودمختاری را تأمین نمود . در حال حاضر بلوچها در هیچ دستگاه حاکمیت مملکت کوچکترین سهمی ندارند ، دهها وزیر و استاندار و فرماندار و خاضه مقامات تمام کنوری و لشکری و صنعتی در هیچ جای کوچکترین جایی ندارد ."

( بند ج - حق حاکمیت )

ماهیت بورژوازی را محلیها و طرح مسئله ملی از سوی سازمان دمکراتیک و عجز تشکیل مزبور از ارائه راه حل پرولتری در این نکته نیز نمایان است که این سازمان با الگو برداری از نام و حتی ماهیت حزب دمکرات خود را یک سازمان تمام خلقی و بیان کنند. منافع یک ملیت می پنداشت و هدف اصلی خود را برابری ملی آنها در چهارچوب نظم بورژوازی قرار داده بود و از ترک این نکته عاجز بود که رفع استعماری ملی یا سرنوشت انقلابات در مرحله کنونی که ماهیتی پرولتری دارند سنگی تنگ تنگی دارد . دفاع پرولتاریا از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش به عنوان یکی از خواسته های دمکراسی سیاسی بر این مبنا قرار دارد که سوسیالیسم نمی تواند به پیروزی برسد مگر با ارائه دمکراسی پیگیر در جامعه . از اینرو برقراری دمکراسی در جامعه که حقیق تعیین سرنوشت ملتها بدست خویش جزئی از آنست بهترین شرایط را برای انجام رسالت تاریخی پرولتاریا یعنی برقراری دیکتاتوری پرولتاریا -

ریا و سلب مالکیت از بورژوازی و ترک مکتب استقرار سوسیالیسم در جامعه فراهم می نماید و تنها از این زاویه است که کمونیستها باطمانه از حق مانعها در تعیین سرنوشت دفاع میکنند . نه اینکه دهن بست متعلق به بلوچها نیست و فلان مقام دولتی غیر بلوچ است . بلکه باید ترک نمود کدامین تیسروی اجتماعی مسبب این وضعیت است . نظام سرمایه داری حاکم اعمال کننده هر نوع استعماری ملی میباشد و عناصر دولتی و مقامات دولتی با نایب این نظم هستند تعویض اینها از هر ملیتی که باشند تغییر در اوضاع نمیدهند . باید که نظم سرمایه داری برآفتد و این امر فقط در این صورت است که دمکراسی کامل میگردد و تنها تحت حاکمیت پرولتاریا است که ملیتها نیز از حق تعیین سرنوشت خویش برخوردار میشوند .

سازمان دمکراتیک که در اولین حمله های ارتجاع جمهوری اسلامی به ست آوردهای خلق تاب نتوان نیارود و درهم شکست به وسیله چند عنصر مافوق که شناخت چندانی از اوضاع نداشتند تاخیر شد . آنها از آشنا یان قبلسی خود که هر کدام عمری را در خدمت گذاری به رژیم پهلوی سر کرده بودند دعوت بعمل آوردند تا در امر تحقق برنامه مبارزاتی به آنها مدد رسانند . این عناصر معلوم الحال که رفتن رژیم شاه را حتی میدیدند ندای دعوت کنندگان را اجابت نموده هر چه مبارزه پیچیده تر میشد آنها تاب نیاورده و جا خالی میکردند تا مقطع قیام حتی یک نفر از آنها باقی نماند و مرکزیت سازمان دمکراتیک از افرادی که بطرف پیکار گرایش داشتند تشکیل میشد .

هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق متذکر در پیچگام نیز مذاکراتی را با رهبران این جریان برای حصول یک برنامه مشترک مبارزاتی انجام دادند . موارد مذاکره عبارت بود از تغییر این برنامه و طرح برنامه های براساس موضع پرولتاریا نسبت به حق تعیین سرنوشت و انتخاب یک مرکزیت و انما دمکراتیک براساس انتخابات آزاد . مرکزیت بوروکراتیک که خود را در مقابل هواداران سازمان ضعیف می یافت از بحث و مذاکره جدی پیرامون این مسائل طفره می رفت . هواداران سازمان با فرک این مطلب که فقط جنبش کمونیستی و برنامه پرولتری قادر به متذکر نمودن خلق پیرامون نهادهای دمکراتیک است و فقط پرولتاریای سراسری است که با انجام انقلاب پرولتاریائی قادر خواهد بود مسئله دمکراتیک حق تعیین سرنوشت را متحقق سازد . هر نوع همکاری خود را با این جریان قطع و تمام ثلث خود را در جهت بوجود آوردن سازمان انقلابیون حرفه ای با می استار و تحکیم آن و پیوند زدن مبارزات دمکراتیک ضد استعماری ملی با مبارزه طبقاتی پرولتاریا بکار گرفتند . روند بعدی جریانات صحت نظرات هواداران را اثبات نمود .

## اتحاد المسلمین

پیش از آنکه تیرازه حزب به ساختن " رستاخیز " از هم بیاید ارتجاعیون بلوچستان از قبیل خوانین ، تجار ، ملاهای مرتجع روشنفکران خود فروخته ، بوروکراتها ، متران لانه کرده بودند ، ما رشد و توسعه مبارزات شکوهمند زحمتکشان کشور و انحلال حزب رستاخیز لانه این موشهای کثیف را آب گرفت . ارتجاع برای نجات منافع طبقاتی خود از هیچ اقدامی فروگذار نبود . از اینرو ملاهای مرتجع ، خوانین ، تجار و روشنفکران رستاخیزی و ساوا - کیان با علم نمودن بزرگ ساواکی منتقله مولوی عبدالعزیز حزب اصلاح المسلمین را بنیاد نهادند به زعم آنها مسلمین متعریف شده بودند و از حمایت از " ظل الله " یعنی سلطان دست کشیده بودند ، پس باید آنها را به صراط سلطنت رهنمون و اصلاح کرد . بلندگوهای حزب ماهیتا بورژوازی و حامی منافع طبقات دارا در بلوچستان ، بکار افتاد و ملاهایی که اینک در رکاب سرکوبگران جدید خلق به خیانت به خلق مشغول بودند ، در تقبیح خمینی و تعریف از شاه در تمام مساجد و منابر داد سخن دادند ، آنها مطرح نمودند که شاه سنی است ، اختلافات مذهبی را عمده نمودند ، اما تنفس از حکومت شاه عمیقتر از آن بود که عناصر معلوم الحال سلطنت طلب موفی به ازاله آن بتوانند . حزب اصلاح المسلمین وقتی دریافت که توانائی مقابله با امواج غشیم انقلاب را ندارد با تغییر نام خود به اتحاد المسلمین میاست خود را نیز تغییر داد . از این پس اتحاد با خمینی و اتحاد شیعه و سنی پذیرش رهبری خمینی و نجات منافع خود براساس وظایف این جریان ارتجاعی قرار گرفت . این اقدام در پی ملاقات مولوی عبدالعزیز و عده ای از ارتجاعیون دیگر منتقله با خمینی بعد از ورودش به ایران انجام گرفت .

حزب نیز ما موریت یافت که در امر و طایفه خود مبارزه با کمونیسم را قرار دهد . دومین وظیفه وی مبارزه با احسانات ضد استعماری ملی زحمتکشان با این نرفند که مقامات دولتی به نمایندگان حزب نوعی خواهند شد . بعد از قیام نمایندگان حزب در اس مقامات دولتی قرار گرفتند و مولوی عبدالعزیز نیز یکی از چهره های برجسته کشته انقلاب زاهدان گردید . حزب اتحاد المسلمین بعد از بدست آوردن مقامات اعلام داشت که خودمختاری حاصل شده است ، و شیفته مردم حمایت از این حکومت برهبری آیت الله خمینی و نمایندگان حزب اتحاد المسلمین در مقامات دولتی میباشد .

حزب تمام فرصت خود را در جهت زاپسل کردن تعلیمات کمونیستی بکار گرفت . آنها خودمختاری را نیز مطرح نمودند اما نه خودمختاری خلق بلکه مختار بودن طبقات استمگر در جهت ادامه حاکمیت خود و تحمیل و استعمار نوده های زحمتکش . خودمختاری پوعالی حزب





### پرسی

بقیه از صفحه ۱۰

اتحاد المسلمین و نمایندگان بغیرت رسیده آن در تقابل با مبارزات خلق و اعتبارات پی در پی زحمتکشان و کارگران فعلی و دانش آموزان و معلمان و دانشجویان قرار گرفت. از اولین افتخارات این حزب در پیوندگاه خمینی سرکوب دانشگاه و بنیاد رساندن فدائی خلق صادق نظیری و زخمی نمودن عمده کثیری از دانشجویان مترقی است.

از این پس مبنیها مریخ تر میشد و ارتجاعیون ماهیت واقعی خود را نشان داده و خلق به شناسائی آنها موفق تر میشد و روز بروز از آنها کناره میگرفت. تشریحات مترقی در افشا نمودن و رسوائی این خود فروخته ها تر پیوندگاه خلق بزرگترین خدمت را نمودند. حمایت دولت از این حزب ارتجاعی و خوانین بنده افشا گردید و آنها کاملا رسوا شدند تا جائیکه حکومت برای حفظ اعتبار خود و ادامه توهم و تحقیر بیشتر خلق این عناصر را از مقامات برکنار نمود و در نتیجه خوانین و رسانخیزی های بی اعتبار و رسوا فراری گشتند و عملا عمر اتحاد المسلمین نیز پایان پذیرفت.

### هوادران سازمان و سایر نیروهای مترقی و مسئله حق تعیین سرنوشت

ما قبلا روند شکل گیری نیروهای مترقی و هوادران سازمان را نشان دادیم. هواداران سازمان اولین نیروئی بودند که مسئله ملی را هرچند با ترک ضعیف تر از ترک امروز، ز، در بلوچستان مطرح نموده و بر پیوند مبارزات خلقهای ایران تاکید داشته و حل مسئله ملی را در گرو رشد مبارزه طبقاتی پرولتاریه با ی سرناری می دیدند. هواداران سازمان مبارزات خلق بپا خاسته کرد و سایر زحمتکشان و طبقه کارگر را در بلوچستان در بعدی وسیع منمکی مینمودند و از مبارزات زحمت کتان حمایت بعمل می آوردند. اندیشه برابری ملی و رهائی ملی برای اولین بار توسط نیروهای کمونیست و بخصوص هوادران سازمان در بلوچستان مطرح گردید.

تئریه بامی استار در این باره مقالات متعددی منتشر نموده است و برای اینکه از دوباره کاری و تکرار مجدد مطالب جلوگیری کرده باشیم حاضر نشان میکنیم که در مقالات قبلی و مباحث جداگانه به اثبات اینکه بلوچها ملیت هستند پرداخته ایم. در اینجا موضعمان را در قبال چگونگی رفع ستمگری ملی و پیوند مبارزات دمکراتیک خلق بلوچ با مبارزات سایر خلقها به رهبری طبقه کارگر روشن میازیم.

در برنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آمده است:

" باید حق تعیین سرنوشت نا سرحد جدائی و تشکیل دولتهای مستقل برای کلیه

ملت تحت ستم ایران به رسمیت شناخته شود. ملیتهای تحت ستم ایران باید آزادانه تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کنند" (برنامه عمل)

حق حاکمیت بر سونوشت خویش عبارتست از اینکه فقط خود ملل حق دارند سرنوشت خود را تعیین کنند. هیچ نیروئی مجاز نخواهد بود به زور و اعمال زور در زندگی ملتها دخالت نماید. آموزشگاهها و موسسات دیگر آنرا نابود کند. زبان آنرا غیر رسمی اعلام نماید و از رشد زبان و تکلم تودهها به زبان مادریشان جلوگیری نماید. معادلات و رسوم آنها را تحقیر و برهم زند و حقوق آنان را خسته دار سازد. ملیت بلوچ حق دارد آگاهانه و از روی اختیار سرنوشت خویش را تعیین کند. دولت مستقل ملی خود را تشکیل دهد و با راه اتحاد آزادانه با سایر خلقها و برپائی جمهوری دمکراتیک خلق را در پیش گیرد.

اما کمونیستها مجاز نخواهند بود از تمامی عادات و مؤسسات ملت بدنیتهائی کنند. کمونیستها حتما باید بر علیه عادات مضر ملت تبلیغ کنند و به فترهای زحمتکش یاری رسانند تا از بند افکار ارتجاعی و عادات ناپسند رهایی یابند. راهی که کمونیستها پین پای ملت قرار میدهند متکی به ترک علمی از مسئله ملی و ریشه بایی اعمال ستمگری ملی و نابودی این ریشهها میباشد. با چنین تریکی از مسئله ملی قادر خواهیم شد ملت را بسوی رهائی کامل رهنمون خویم.

ایران کشوری است کثیر الملل. این ملیتها بحر ملیت فارس تاکنون تحت ستم قرار داشته اند. رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند رژیم شاه به ستمگری ملی ادامه میدهد و بی رحمانه حقوق ملی خلقهای کرد، ترک، ترکمن، بلوچ و عرب را پایمال میکند.

ستمگری ملی از سوی حکومت مرکزی و گرا- یین ناسیونالیستی بورژوازی فارس به حدیث تر- یین وجهی بر ملیتهای تحت ستم وارد میشود. این ملت حاکم نیست که ستمگری ملی را روا میدارد، بلکه بورژوازی حاکم میباشد که با در دست داشتن ارگان سیادت طبقاتی یعنی دولت ستمگری ملی اعمال میکند. از طرف دیگر ملیتها تحت ستم امپریالیستها به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نیز میباشد و بدینگونه است که ملتها تحت ستم مضاعف قرار گرفته اند.

نابودی ستمگری ملی و رهائی ملی بدون درهم شکستن و نابودی ریشه اصلی آن که در بالا نشان دادیم امکان پذیر نیست. سدی که جلوی رشد و اعتدالی مبارزه طبقاتی و تکامل تحولات انقلابی و اجتماعی را در درون ملت تحت ستم سدود ساخته است همان نظام ستمگریانه و استثمارگرانه و مغفوری است که منفا هر نوع نهاد بیعدالتی اجتماعی و اقتصادی در تمامی عرصه های زندگی کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران است. رهائی نه تنها ملیتهای تحت ستم بلکه اساسا تمامی کارگران و زحمتکشان آنها و تنها در گرو درهم کوبیده

ن و نابودی نظام میباشد. رهائی ملی به منظور کامل شدن دمکراسی و نابودی عوامل سدکننده رشد نیروهای مولد در ایران بدون نابودی نظام سرمایه داری و دولت نگهبان آن امکان پذیر نیست. چرا که همین نظام و طبقه حاکمه پاسدار این نظام است که نه تنها بر ملیتهای که بر تمام زحمتکشان ستم روا میدارد و همین نیز نقطه اشتراک مبارزات زحمتکشان تمامی ملیتها و طبقه کارگر میباشد.

تاریخ نابودی نظام سرمایه داری وابسته را به عبده طبقه کارگر ایران نبوده است. طبقه کارگر در پیوند پیش تمام ملیتهای و زحمتکشان نه تنها برای رهائی خود بلکه برای رهائی تمام زحمتکشان از قید سرمایه داری مبارزه میکند. اینست پیوند مبارزات دمکراتیک خلقها و مبارزه سوسیالیستی طبقه کارگر. با این حساب من بینیم که رهائی ملی فقط با نفی نظام سرمایه داری (در این دوران) و استقرار جمهوری دمکراتیک فقر تمند بیکه متشکل از تمامی خلقهای تحت ستم به رهبری طبقه کارگر میباشد میسر است.

" منافع ضیفه کارگر ایران، و زحمتکشان ملت تحت ستم ایران در این است که مشترکا یک دولت مقتدر تشکیل دهند اما این اتحاد آزادانه و داوطلبانه خواهد بود جمهوری دمکراتیک خلق براتحاد آزادانه و داوطلبانه ملیتها استوار خواهد بود."

(برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق)

این است آن و طبقه های که کمونیستها در بلوچستان بعهده دارند. تبلیغ و ترویج و ترویج عامل اعمال ستمگری ملی و راه حل رهائی ملی از موضع پرولتاریا و تلاش در جهت پیوند مبارزات زحمتکشان تمام ملیتها با مبارزات طبقه کارگر و تشکیل جمهوری دمکراتیک خلق.

در جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر، خلقها از خودمختاری وسیع منطقه ای برخوردار خواهند بود. مناطق خودمختار و مرزهای آنها توسط جمعیت محل و بر اساس شرایط اقتصادی شرایط زندگی ترکیب مناسبت و غیره تعیین میشود. خودمختاری وسیع منطقه ای یعنی داشتن بیشترین اختیار از سوی خلق در اداره امور خود در چهارچوب جمهوری دمکراتیک خلق. اهالی مناطق خودمختار در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بیشترین اختیار را دارند و به جز امور مربوط به سیاست خارجی، دفاع ملی میبایست پولی و ارزی مبارزگانی خارجی که بعهده دولت انقلابی و دمکراتیک تمام خلقهای ایران است در موارد دیگر از طریق نهادهای نام دارد. علاوه بر این خلقها در تشکیل حکومت مرکزی نیز سهم دارند و از این طریق در سرنوشت تمامی کشور اعمال اراده میکنند.

ما نشان دادیم که تنها راه رهائی خلق بلوچ در پیش گرفتن زندگی آزادانه با سایر خلقها در چهارچوب یک دولت مقتدر پرولتاریه بقیه در صفحه ۹۲



بررسی ...

بقیه از صفحه ۹

است اما از نقطه نظر اصول ملیت بلوچ حق دارد راه جدائی از سایر ملیتها را در پیش گیرد . اما ما بیستاپنجاه اعلام میداریم . با توجه به وضعیت سیاسی - اقتصادی فعلی ملیت بلوچ و با توجه به اینکه مادام که رژیم سرمایه داری بر کل ایران حاکم است . هیچ گونه رهائی ملی امکان پذیر نیست فقط با درهم شکستن این نظام و در پیش گرفتن راه سوسیالیسم و پذیرش رهبری طبقه کارگر سعادت و آزادی و رهائی ملی امکان پذیر است و چون زحمتکشان بلوچ و زحمتکشان سایر ایران دارای دشمن مشترک هستند راه رهائیشان نیز مشترک است و آن عبارتست از درهم شکستن نظام سرمایه داری وابسته و استقرار جمهوری دمکراتیک سوسیالیستی .

مگر آنکه سوسیالیسم امروزه مبارزات زحمتکشان بلوچ را تهدید میکند خط خوانین و سلطنت طلبان میباشد . سلطنت طلبان در کمین به کسراه کتاندن مبارزات خلق بلوچ میباشد آنها بیستاپنجاه مقلد بلوچ را بارها و بارها به امپریالیستها فروخته و سند قبایله نیز صادر کرده اند . جمهوری اسلامی تا آخرین نفسر پایگاه خود را از دست داده است این رژیم هیچ راهی جز نابودی ندارد . توده ها بشدت ناراضی هستند اما هنوز به تمام جوانب جمهوری دمکراتیک خلق آشنا نیستند . از این بابت امکان بهره برداری امپریالیسم و توکرها ان دیگری یعنی سلطنت طلبان از این ناآگاهی وجود دارد . سوسه های جدائی طلبان توده وابسته شدن کامل به امپریالیسم توسط خوانین و ایجاد سلطنت در فردای رویشی که طبقه کارگر سوسیالیسم بتازد رخ می نماید . از هم اکنون باید این نقشه های عوم امپریالیستی را نقش بر آب ساخت .

در همین حالیکه دشمن اصلی رژیم جمهوری اسلامی میباشد باید با تمام توان بر علیه سلطنت طلبان و خوانین مبارزه نمود آنگاه را بکلی افشا و مابعدیت واقعی آنان را برملا نمود .

پس تنها راه نابودی استمگری ملی و کشت از هرگونه استمگری ملی و ظلم و ستم طبقاتی و اختناق و فقر و بیچارگی نست یازیدن به مبارزه سهمگین بر علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری حاکم و خدا نقلاب مغلوب سلطنت طلبان و خوانین و مبارزه بر علیه ناسیونالیسم ملیت تحت ستم میباشد . تنها راهی که ما رهائی خلق بلوچ را در آن می بینیم و پیدنهاد می کنیم در پیش گرفتن اتحاد با سایر خلفها و پذیرش رهبری طبقه کارگر و زندگی مشترک در چهارچوب یک حکومت مقتدر و قدرتمند پرولتری میباشد .



بالاخره ...

بقیه از صفحه ۱۱

جنایتکاران نیز اصرار دارد اینان سارق و مزد و گردنه بگیروراهز . ثانی هستند که مانند زالو از خون زحمتکشان تغذیه میکنند و نه تنها مولاداد و امان الله سارقند بلکه تمام " وحدت بلوچ " تشکیل است متعلق به سارقین خان و خودفروشی که بلوچستان را به بهای ارزانی به امپریالیستها میفروشند در این زمینه ارگان جنایتکاران مینویسد : " این خودفروشی برای تکمیل غیاینها ی خود به عراق مسافرت نمود و با دریافت ۱۵۰ قیضه اسلحه و ماهی پنج هزار و پانصد دلار در جمع همبستگیهای خود برای تجزیه بلوچستان امضا دادند . " وحدت خودفروشیها نه تنها به عراق امضا داده اند بلکه هر کنوری که بدانها پول داد این سند دروغین را بدر دادند که بلوچستان متعلق بنما است هزهی بیشتر موی بلوچستان را فروخته اند و کودنهای دیگری آنها خریداریه اند . این در حالی است که زحمت کتان بلوچ در زیر سرمایه داری وابسته و حکوم مت باسدار آن جمهوری اسلامی توان راست کردن کمر را ندارند و لگدکوب میگردد عده ای ندا نقلاب دیگر آنها میفروشند و خود را نما یافته زحمتکشان بلوچ میدانند و اسم این زحمتکشان را برای فریب آنان بر خود نهاده اند در حالیکه نه تنها نمایندگان خلق بلوچ نبوده بلکه محلی هستند متعلق به سلطنت طلبان و ضد انقلاب معزوب که ماسک مبارزه با خود را به چهره زده اند حال بیینیم ای سر تیازره " را چگونه به پیش برده اند خوانین که نگران مقام و مناصب از گذرفته هستند برای برگرداندن اقتدار قبلی خود به توطئه مشغولند و در این راه از هیچ خودفروشی و دناشتی و خفتی فروگذار نیستند . بلوچستان را تاکنون به چندین کشور فروخته اند و سازمان خودشان را نیز بارها و بارها در بازار امپریالیستها برای نوکری به خراج گذاشته اند و مبالغ هنگفتی را که تاکنون به دست آورده اند صرف مخارج عیسی و خرید املاک و منازل برای خودشان رسانده اند که ماسا بقا آن موارد را افشا نموده ایم اما اینک شاهدهی از روزی نامه مذکور میارویم :

" این بلوچ بی سرو پا و خودفروخته بی پولهای سرقت عده از اموال بلوچهای درگیر رژیم با جمهوری اسلامی خمینی هر یک از سه فرزند خود را جداگانه در بهترین کالجهای شیانه روزی انگلستان برای تحصیل اعزام داشته و چندین هکتار زمین در اطراف کراچی خریداری نموده و یک مرکز یب بزمین در روی آن دایر نموده است . " این خان بی سرو پا که خوشختانه هنوز دمتری با خود حمل می کند همان شخصی است که سال گذشته کلید دروازه فتح ایران را بست دامت و رادیوی سلطنت طلبان با آب و تاب از آن باد می کرد . علاوه بر بی سروپائی خودفروخته میشود ارگان جنایتکاران را اینجا اختباه نکرده است . الحق که میرمولاداد سردا-

رزهی خودفروخته ای بهمان نسبت تمام سلطنت طلبان و خدا نقلابیون می باشد و نسبت این خودفروشی در مقایسه با سرپرستی بختیار به وسعت بلوچستان نسبت به وسعت تمام ایران است . خودفروشی غریک خود را خودفروخته می نامد . آری این عنوان را تا میتوانید بکار گیرید و خود را بیشتر افشا کنید هر چه بیشتر خود را افشا کنید خلق بیشتر بیدار خواهد شد . اما حق ندارید خوانین را " بلوچ " جا بزنید چرا که بلوچهای زحمتکش بسیار و نت است صغیر خود را از خوانین جدا کرده اند . خوانین در کتب خدا نقلابیون خون آشام و بلوچ چهای زحمتکش در صدا نقلابیونند و با هم تضادی آشتی ناپذیر دارند . میرمولاداد سردار رزهی به خانان هم نوع خود نیز هیچ رحمی نکرد و پول و اسلحه آنها را دریافت داشت و بعود اختصاص داد و فقط نمایشی بغورد سلطنت طلبان داد . این نمایشات گرفتن عکس نفرات مسلح و نشان دادن افراد مسلح به نمایندگان سلطنت طلبان را شامل میشد و یک نمونه اش را نیز با می استار افشا کرده که رنگ رزی خوبی برای رنگ کردن خاندان سلطنت و مرغ طوفان و مدنی بود .

ارگان جنایتکاران نه تنها حقایقی از قبیل نزد و سارق و راهزن بودن مولاداد امان را بیان میدارد بلکه سارق و راهزن بودن کل سلطنت طلبان و خاندان سلطنت و سرمایه داران را نشان میدهد . روزی نامه مذکور میگوید مولاداد پولها را سرقت کرد این پولها از اموال بلوچها بودند . سلطنت طلبان ناشی که شب تا صبح به زنده داری و فساد و فریب و نیرنگ مشغولند و هم اینک در کنوره های امپریالیستی با ثروتهاشی که از دسترنج زحمتکشان ایران در زمان آن حوک کثیف عشا سرقت کرده اند به عیش و نوش در داسینگها و میکدهها مشغولند . در ضمن جیره و مواجب هنگفتی نیز از امپریالیستها دریافت میدارند از مولاداد بدست رنجیده اند که اموال بلوچها را نزدیده است باید گفت که عشا غارتگران خلفهای تحت ستم ایران نگران نزدیده شدن اموال بلوچها نباشید زیرا که خود با نزدیدن آنها در سابق و امروز روزگار می گذرانید . عشا از این رنج میبرید که مولاداد خاشن به عشا نارو زده است مولاداد نیز تربیت شده و دست آموز دربار خودتان بوده است و این کلشیها را از خود عشا فرا گرفته است هر چه در تمام دوران اقتدارشان کار تمام بفروپیر او نزدی اموال خلق بوده است و عشا غصه دار نبودید بلکه وی را کمک نمودید تا بیدنسر غارت کند و بجایید و بلوچها را سرکوب کند . این شوخی تاریخ است که تمام خاقین به نام خلق و بنام آزادی خلق را سر میبرند آزادی را اعدام میکنند این رسم تمام ستمگران اندیشه های والا است که برای نابودی آنها خود را بدانها نسبت میدهند . برای نابودی انقلاب خود را انقلابی میدانند و حتی برای انحراف و نابودی مارکسیسم خود را طرفدار مارکسی میدانند .





### اخبار...

خرداد ماه :

گروه مسلح اعظم هوت به کمین یک گشتی ژاندارمری در جاده بین کهنر و مومنان می‌نشیند گروه موقف میشود سرنشینان خود را نسیان پترول یک اسلحه و پنج نفر تیربار و سرباز را خلع سلاح دستگیر و به گروگان گیرد. گروه گانها را بسوی بلوچستان پاکستان میبرند گشتی‌های سپاه به تعقیب اعظم پرداخته و نزد یکی‌های مرز ایران و پاکستان درگیری رخ میدهد چون درگیری نزدیکی سکونتجا در نسیان بلوچ پاکستانی بوده یک زن مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد. نیروهای مسلح پاکستانی به محل درگیری و تعقیب گروه اعظم می‌روند اعظم از مهلکه می‌گریزد و درگیری بین پاسداران و نیروهای مسلح پاکستانی تا پاسی از خرداد ماه می‌باشد.

پاسداران از تاریکی شب استفاده کرده فرار میکنند. صبح روز بعد نیروهای مسلح پاکستانی با چند پاسداری روبرو میشوند آنها اظهار میدارند چنانچه میدانستیم اینها پاسداران ایران هستند تمام نیروی خود را بسج می‌کردیم تا یک نفر آنها زنده نرسد زیرا که آنها پیوسته بخاک ما حمله می‌کنند اعظم یکی از سربازان را رها کرده تا به مقامات ایرانی شرایط آزادی گروگانها منبسی بر پرداخت ۵ میلیون تومان پول را بدهد. سرباز توسط مقامات ژاندارمری دستگیر و زندانی میشوند.

گشتی ژاندارمری از سر قرار اخاذی پول از ناچای نروشان برمیگشته است و دو کیف پر از پول داخل ماشین بوده است.

• در پی ترور ناموق عبدالرحمن جاسوس معروف پیشین شخصی بنام سید محمد نرزدی تیغ محمد ساکن " گرمین بیت " توسط این جاسوس و پاسدار سرمایه دستگیر شده است و در زندان سپاه تحت شکنجه قرار دارد.

• در " پیشین " یکی از نقاط مرزی ایران یک نفر از مزدوران جبهه تحریر جاسوس دولت عراق به همراه یک نفر جاسوس دو جانبه از اهالی منطقه توسط رژیم خمینی دستگیر شده است.

• در " چکیگور " یک ژاندارم غیرموسمی توسط نفس یا انخاص ناشناس متله شده (زبان و دست و پای او را بریده) جسد نیمه جان او توسط عمال حکومتی سرمایه‌داران پیدا شده به تهران منتقل می‌شود در این رابطه چندین نفر دستگیر شده‌اند از جمله دو زن و سه مرد. بین دستگیرندگان کسی که گفته میشود جاسوس رژیم بوده وجود دارد که فوراً دستگیر میشود. مثله کردن این ژاندارم بدلیل چشم داشتن او به ناموس مردم زحمتکش محل انجام گرفته است.

• توسط سپاه و گروهان ژاندارمری " پیشین " از معاز داران " چکیگور " خواسته میشود که هر معازه مبلغ (۲ تا ۵) هزار تومان بتواند کمک به دولت بپردازد در غیر اینصورت دکانهای آنها بسته خواهد شد.

• در تاریخ ۱۵/۴/۳۵ یک راننده بسوج که از مرز می‌گشت هدف گلوله پاسداران قرار می‌گیرد.

زابل - شب ۲۶/۳/۳۵ پاسداران سرمایه به فردی که در حال عبور از خیابان بوده ایست میدهند و فرد مذکور که از افراد زحمتکش بوده با بفرار می‌گذارد و پاسداران جنابیت پیشه او را به رگبار مسلح می‌زنند و فرد مذکور جا تر جا شیخ میشود یکی از اقوام مقتول که برای روشن کردن قضیه به داستانی مراجعه کرده خواستار محاکمه و جازات پاسداران میشود طی یک درگیری لفظی با داستان دستگیر شده بزیر شکنجه میرود و سپس به تهران انتقال داده میشود. از سر نوشت فرد مذکور هیچ اطلاعی در دست نیست و پاسداران در جوابها توارده او با تضرع می‌گویند این فرد تهران رفته خون فامیل را بگیرد اینجا خون نبوده تهران زیاد است. و این جواب عدالتخواهی مردم ستمدیده ماست از زبان مزدوران سرمایه و پاسداران خون و جنابیت پرخوری‌هایی که کینه مردم زحمتکش را به این سرپرندگان امپریالیسم در چندان کرده‌اند.

تفکین حکومتشان را با نیام سلحانه خود در هم خواهند پیچید.

• حدود اوائل خردادماه - بگفته یسک شاهد عینی در خیابان ناصر خسرو و اطراف لاله زار تعداد زیادی از زنان و مردان و جوانان راهپیمایی کرده و شعار می‌دادند جنک جنک کو پیروزی - صدام بنفاز جای دیروزی و شعارهای دیگری میدادند از جمله ترک بر خمینی و سیگار نیر نمی‌خواهیم رهبر پیر نمی‌خواهیم و ...

• در فرودگاه مهرآباد در تاریخ تیر ماه ۱۴ آستین و بقه پیراهن مسافری را که از هواپیمای پیاده شده بود با تیغ و چاقو جهت بازرسی پاره کردند. پاسداران مزدور اظهار میداشتند این بازدید جهت پیدا کردن هروئین است. و در همین تاریخ پاسداران سرمایه نختری را در خیابان بوته جهیبری بازرسی بدنی کرده و سپس سوار ماشین گشت نموده با خود برده‌اند.

• فاصله بین تفتان تا توك از نقاط مرزی ایران و پاکستان واقع در بلوچستان ایران را مأموران مرزی به پیشنها سپاه پاسداران سیم خاردار کشیده‌اند. توك منطقه ایست بین تفتان و میرجاوه و قسمتی از تفتان تا تالاب را هم تا حدودی سیم‌کشی کرده‌اند سیمها خیلی قوی هستند و با انبوهای معمولی بریده نمی‌شوند. اما مردم به تفک آمده از ظلم خمینی و سرمایه‌داران با هر وسیله ممکن سیمها را پاره کرده و از آن می‌گذرند.

بقیه در صفحه ۱۴



## زندانی سیاسی به قدرت توده‌ها آزاد باید گردد



اخبار...



**پاسداری در تهران به يك افغانی**  
 مراجعه کرده میگوید مرزا مرز ردکن هانغا. نی فر ازای ۱۵۰۰۰۰ تومان حاضر به این کار میشود. نزدیک مرز میرجاوه پاسدار او را با گلوله کشته و جسدش را به تفتان منتقل می کند و آنجا توسط افغانیهای دیگر به خاک سپرده میشود. مردم تفتان میگویند از وقتنی عجبنی آمده تفتان را به قبرستان تبدیل کرده است و مسافرینی که در بیراهه گم شده و از تشنگی و گرسنگی هلاک شده و یا توسط پاسداران کشته شده اند جسدان به تفتان منتقل شده و تعداد بسیار زیادی افغانی در تفتان تاکنون به خاک سپرده شده اند.

میرجاوه - تیرماه

ما موران مرزی که عبور و مرورهای مرز را کنترل می کنند چنان جنایات تاریخی از خود به یادگار گذاشته اند که چیزی از شکسته گران اوین و کمیته ها کم ندارند. این مزدوران که توده افغانیهای مهاجر را نیز کنترل می کنند و برای بازدید زنان و مردان کمپهای جداگانه ساخته اند. با جدا کردن زنان از مردان بر ای چندمین بار به زنان آواره تجاوز نموده اند. جمهوری اسلامی نظیر این جنایت را فرقی مخالفان خود نیز هر روزه بکار میکشند.

میرجاوه - تیرماه

افراد که بنزین و وسایل متنوعه از زاهدان به پاکستان یا مرز می برند یا پرده خت رنوه به ما موران جنایتکار خمینی حمل و نقل خود را آزادانه انجام میدهند.

زاهدان - تیرماه

لبنیهای جمهوری اسلامی در رعایت نکردن آزادی و آسایش تودهها مرز نمی شناسند هر وقت اراده کنند مردم را به ربکار می بندد و از دیوارخانهها بالا میروند زحمتکشان را بازداشت می کنند به ناموس مردم تجاوز می کنند و هزاران جنایت تبلیغ دیگر. و این نمونه دیگری از کثافت کاریهای ولگردان قدره بند جمهوری کمیته ایها و پاسداران مسلح به محل برگزاری یک جشن عمومی حمله می کنند پاسدا - ران به بهانه شلوغ بودن اقدام به دستگیری زنائی میکنند که حساب نداشته اند. این عمل تنگن بین پاسداران یا عکس العمل دیدید حرکت کنندگان در عروسی مواجه میشود مردم فریاد جرمی آوردند شما با آنکاه به کدام قانون و ضابطه می خواهید خواهان و ما نران

ما را به کمیته وحشی و زندان میبرد. مرز دران کمیته ای و پاسدار وقتی با ختم مردم روبرو میشوند فرار را برقرار ترجیح داده به سرعت از محل دور میشوند. مکان ولگردی به اسم پاسدار و کمیته جنایت را از حد و حدود خارج ساخته اند و به هیچ قانون و ضابطه ای پای بند نیستند. اما قهر نیست امروز کسی خلق بپا خیزد و بنیاد فاسد این حکومت تنگن را برکند.

سراوان (کهن فاوود)

در تاریخ ۱۳/۷/۷۸ مزدوران کمیته ای به این آبادی حمله کرده به آزار زحمتکشان می پردازند. یکی از مزدوران کمیته ای به مردم میگوید به ما گزارش رسیده که شما شلوغ کرده اید. شما چگونه جرات دارید در حوزه استغاضی ما (کمیته ۳ راه سراوان - خاش - سراوان) دست به اغتشاش بزنید خمینی بسا کمال بیشرمی ۲ نفر از اهالی را دست بسته به محل کمیته می برند و پس از چند ساعت بازداشت و شکنجه و آزار آنها را آزاد می کنند.

زاهدان - تیرماه

سه نفر جوان خراسانی که قصد داشتند برای فرار از جهنم جمهوری اسلامی از مرز میرجاوه خارج شوند دستگیر و از آنجا به زندان زاهدان منتقل شدند و تعجب دارند این افراد را به اوین منتقل کنند. این اولین بار نیست که این اتفاق می افتد بلکه تاکنون صفا جوان که قصد خروج از ایران را داشتند دستگیر و عده ای از آنها اعدام شده است. چندی پیش یک نفر که از جبهه فرار کرده بود و قصد خروج داشت نیز دستگیر میشود و گویا او را نیز بخواه اعدام سپرده اند.

زاهدان - ۱۱ تیرماه

معاون نخست وزیر مهندس رضوی به زاهدان آمد و در تاریخ یازدهم تیرماه در مراسم رژه لشکر ۸۸ زرهی زاهدان بقصد تقوی ارتشیا ن و فر آوردن آنها از خستگی و رخت و رفتن به جنگ متروک و به ایراد سخنانی اقدام کرد بعد از وی سرپرست مزدور فابره خیابانی آیدنولوژیک و فرماندهان مزدور در رابطه با جنگ و برکات و خیرات و میراث آن فاسخن داده و از سربازان خواستند که به جبههها بروند ملحق اطلاعات واصله قرار است به همین زودی نیروهای از سپاه و ارتش به جبههها گسیل شوند. اما سربازان که از جنگ بیزار هستند به این تبلیغات با دیدی تمسخر آمیز نگاه کرده و خواهان پایان یافتن جنگ هستند.

رفقای هوادار وظیفه دارند و رفتن به جبهه را بیشتر تبلیغ و ترویج کنند و تبلیغ ترویج کنند که برای بست آوردن صلح دمکرا - نیک باید تفتنگها را بسوی رژیم حاکم تفتان رفت و صلح دمکرا نیک بست نمی آید مگر اینکه جمهوری اسلامی سرنگون شود.

زاهدان - ۱۸/۷/۷۸

شورش در زندان شیربانی زاهدان : وضعیت زندانیان از نظر بهداشت غذا و اجناس افتنا است و مزید بر اینها رفتار تند و وحشیانه ما موزین زندان حق نفس کشیدن را از زندانیان سلب کرده است. بدابه این علیسل زندانیان نسبت به عوروش و تلفیای میزنند که عوروش زندانیان توسط حورخواران خمینی به خون گدیده میشود و ۲ نفر از زندانیان از فرط ضربات وارده کشته میشوند. وقتی زندانیان با کشتهها مواجه میشوند به عوروش اذامه میدهند و زرد خوردن با پلیس عدت می گیرند. پلیس از مقابله عاجز میشود از ارتش کمک میگیرند و نیم ساعت بعد در ربوی مللو از سرباز جهت سرکوب زندان وارد عمل میشوند. ارتش زندان را محاصره میکند و با عملیات وحشیانه و قهر عدا نقلی موفق میشود عوروش را بخواباند و زندانیان را با زور سرنیزه خاموش کند. غیر ترگیری به بیرون و بسته توده های مردم رسید و رژیم برای جلوگیری از عوروش مردم اعزام کرد که بین خود زندانیان زد و خورد رونماده است و این دو نفر کشته شده اند اما زندانیان اسل ماخرا را بسته ملاقات کنندگان گفته بودند کمبود جا و کم غذائی معدم بهداشت موجب عوروش شده بود. در اطفا های ۳ نفر هم اینک در حدود ۳۵ نفر نگه داری میشود.

زاهدان - اول تیرماه

سگان ولگرد جمهوری اسلامی در گشتهای رنگارنگ آرمی را از زحمتکشان سلب کرده اند آنها بدون هیچ دلیلی اقدام به بازداشت افراد می نمایند و به ساوا ما می برند و بازجوئی می میکنند در تاریخ ۱۸/۷/۷۸ ساعت ۷ صبح گشت کمیته به یک نفر در چهارراه چه کنسیم مشکوک میشود مغول وار از ماعتین پیاده شده فرد مذکور را بدون معطلی دستگیر دستبایستن را می بندند و به ساوا ما می برند و بر آنجا به چهار نفر زندانی تفتان می بندند. زندانیان میگویند که وی شخص مورد نظر شما نیست. سپاه بعد از نیم ساعت بازداشت او را چشم بسته در نقله ای از شهر زاهدان رها می کند.

بقیه در صفحه ۱۵

ضد امپریالیستی جیره جدا چه جیره په دمکراسی زنه انت



### اخبار

زاهدان:

در جریان مسابقات ورزشی جوانان استان که در شهر زاهدان برگزار شد، هواداران سازمان با تودتن شعارهایی علیه جنک و اختناق و شکنجه میر در دیوار محوطه استادیوم و دستخوشی ها ماهیت رژیم را افشا می کنند و در ضمن رفقا با تودتن طول موج را فدای فدائی آنرا تبلیغ و معرفی می کنند.

زاهدان - تیرماه:

افزادی که بزور و اجبار و با تحمیت تاثیر توهمات مذهبی به جبهه جنک فرستاده میشوند چنانچه شانس بیابا و رند و کشته شونده دیوانگی ترکمین آنها تشنه است. در تیرماه سال جاری ۲ نفر از افرادی که از زاهدان به جبههها اعزام شده بودند متاعیر خود را از دست داده و دوباره به زاهدان عودت داده میشوند. این دو نفر هم اکنون تحت نظر پزشک در خانقمان بستری و قادر به درک هیچ چیز نیستند.

زاهدان - تیرماه:

طبق اطلاعات موثق واصله ۵ نفر از زندان نیانی که بزندان زاهدان تبعید شده و وادیگی سازمانی آنها برای ما مشخص نیست در زندان زاهدان بست پانصدان جلاذ اعزام شده اند. این افراد از تهران به زاهدان آورده شده بوده اند.

زاهدان - ۱۸ تیرماه:

ری شهری وزیر اطلاعات به زاهدان آمد. تا میرده به همراه رئیس شهرستانی جمهوری اسلامی و سایر مقامات استان تشنهائی ترتیب دادند وزیر اطلاعات اعلام داشت که برای کسب اطلاعات در رابطه با فعالیت نیروهای سیاسی محاسن بودن منقله و ایجاد همکاری نزدیک بین نیروهای اطلاعاتی (سپاه و کمیته بسیج و ساوا) و مقابله با تروریستها و خرابکارها و خدا انقلابیون (انقلابیون) به منقله آمده است. همچنین در نشست دیگری با رؤسای اطلاعات در منقله (ساوا) که بطور محرمانه در محل ساوا انجام گرفت. برای شناسائی و کنترل و دستگیری نیروهای سیاسی تصمیماتی گرفته شد. همانطور که در مقاله ای جداگانه نشان دادیم، این سفرها بعلت تشدید فعالیت هواداران سازمان در منقله بوده است و خود وزیر اطلاعات نیز این مطلب را بیان نموده است.

خانی - تیرماه ۶۸:

رتییر پاسگاه، روسنای سنگان (سنگو) از بیخ قاجاری فروش بزرگ بازار بدلیل خسارچ کردن تعدادی قالی به مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تومان رشوه می گیرد. رتییر پاسگاه و همکارانش پولپها را فریافت و قالیها را در مرز تحویل قاجاری فروش می دهند که در ایستن میان رتییر پاسگاه دو تخته از قالیها را می برد. روز بعد صاحب قالی به پاسگاه می آید و می گوید دو عدد قالی کم است. رتییر پاسگاه جواب میدهد شاید تر راه مفقود شده اند. صاحب قالیها اصرار می کند رتییر پاسگاه از کوره بردارند و به صاحب قالیها حمله ور میشود و او را مضروب میسازد صاحب اجناس نرسد فرمانده ژاندارمری شکایت می برد و ماجرا را تعریف می کند. فرمانده ژاندارمری رتییر پاسگاه و سایر افراد پاسگاه که مجموعا ۱۳ نفر میشوند را دستگیر و به زاهدان می فرستد و سر میگاه زاهدان همه این افراد خلع لباس میشوند و تحویل دادگاه انقلاب ارتشی میشوند. آری این فقط گوشه ای است از فساد و رشوه خوری دستگاه حاکم.

ایران شهر - خردادماه:

مقادییر زیادی تخته قالی متعلق به چند نفر آخوند در حین حمل و نقل به سوی مرز کند و از سوی رژیم ضبط میشوند.

زابل - تیرماه:

سپاه مخلفتی با کمبود نیرو روزیرو است این نهاد خنابتنکار برای تأمین نیرو بست به نمرنگ جدیدی زده است. این جبهه جدید عبارت است از فراخوان دبیلیمه های شهرستان زابل برای خدمت در سپاه و آنگاه اعزام به جبهه و را دیو تلوژیون نیز در این باره اقدام به تبلیغات وسیعی فر سطح استان نموده است و اما از آنجا نیکه نوده های زحمتکش و بصیر جوانان دبیلیمه از رژیم جمهوری اسلامی بیزارند احدی حاضر نشده است به این اعلانها جواب مثبت بدهد.

چاهبهار - تیرماه:

بنشر چاهبهار هم اینک محل تخلیه عظیم ترین محموله هاست که در طول حیات این شهر بی سابقه بوده است و رژیم نیز که این بنشر را از تیورس عراق بدور می بیند کالاهائی را که از کشورهای (ترکیه، پاکستان، کره جنوبی، پاراگوئه، برزیل، تایلند) وارد ایران می کند. از طریق این بنشر تخلیه میشوند. این واردات عمدتا برنج، کدو، گندم، گوشت و سبزی و ادوات نظامی و جنگی می باشد چندی

پیش یک کشتی حامل گندم حیزر پهلوگرقتن در اسکله سوراخ شده که تا مدتی در تخلیه کالاهای اخلال بوجود آورده. رفت و آمدهای پی برپی تریلها و کامیونهای عظیم الجثه از چاهبهار به سایر شهرها ی بزرگ ایران برای حمل و نقل کالاهای وارداتی نیز حکایت از واردات فراوان دارد و این در حالی است که اقتصاددانان جمهوری اسلامی فر بوی و کرنا می دهند که به مرز خودکفائی رسیده اند و هر صورتیکه آنها نه تنها در جهت قطع وابستگی که فر ماهیت جمهوری اسلامی نیز نمی باشد قادر نیستند حرکتی انجام دهند بلکه روز بروز عقیدت سر وابسته میشوند. در این میان تنها کاری که کرده اند و لقمه را با دستاز پند سر بهمان می برند تا توده ها متوجه نشوند.

زاهدان - تیرماه:

خانقمان جمهوری اسلامی که دشمن هر نوع آزادی و اندیشه و تفریحات سالم و ورزشی و اصولا دشمن خادایی انسان هستند سیاستهای ارتجاعی خود را در مورد ورزش نیز اعمال می کنند. از تاریخ ۵ تیرماه مسابقات فوتسال بین شهرستانهای استان (زاهدان، زابل، خاش، سراوان و چاهبهار) بدون شرکت شهرستان ایران شهر برگزار گردید. و دلیل عدم شرکت ورزشکاران ایران شهر نهب داختن مالیات است. ضمنا یک تیم از زابل و یک تیم از زاهدان نیز مسابقات را تحریم کردند. ورزش دوستان جمهوری اسلامی بجای تشویق و ترغیب ورزشی و تیمهای ورزشی نیز مالیات بستند و از هر کدام مبلغ ۸۰۰۰ تومان طلب نمودند که به تیم مذکور از پرداخت مالیات خودداری کرده و مسئولین تیمها نیز بنده اعتراض کردند. رژیم مخلفتی اینک واقعات را بجائی رسانده است که از جوانان ورزشکار مالیات ۸۰۰۰ تومانی طلب می کند.

۱۱/۲/۲

همزمان با مانور حزب الهیها در تهران در کرج نیز تندهای حزب الهی به مناطق پر جمعیت و محل عبور و مرور مردم حمله کرده و جوانان بصوم پسران را به باد کتک میگیرند و موهای سرشان را از ته می تراشند و از آنجا که میخواهند افغان مردم را متعرف کرده و حرکت گسترده مردم را با بی حجابی و غیره لوک کنند مهربه میکنند و میگویند (بانکی سوزک کجائی از خون در تیابی) در روز ۲/۲، نیز به پاساژ آزادی سه راه مظاهری و پاساژ ترفیق حمله کرده و این حرکات را تکرار کردند و البته بعضی از جوانان در موقع قرار میگفتند (سنگار تبر نمیخواهیم هر هبر پیر نمیخواهیم)

زابد باد امپریالیسم جهانی بسروردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلش



### طبقات

بقیه از صفحه ۶۲

و می گویند مالکیت خصوصی محترم است و بزندان بزرگ جامعه طبقاتی را "تبار محترم" و سرمایه داران یا ایمان "خطاب می کنند" و مشکیتی خائن امام جمعه قم می گوید انسان می تواند تا حلقوم در ثروت فروزده باشد و باز هم مسلمان بنام معنی باشد یعنی که این نزدی بزرگ قانونی شده است و بنا برین و منصف و عزت و عادت توجیه می شود و حکام جور و ستم با بی عزمی و فریدگی در اجتماع مردم زحمتکش بی پروا دعا می کنند که خداوند دل سرمایه داران را به مهر آورد و فریب خوردگان زحمتکش که این سخنان را می شنوند بعنوان یک ظلم تاریخی و طبیعی و حتی خدائی آنرا پذیرفته و آمین می گویند و آنان که برای برهم زدن یک دهک کتاب فروشی ارتشی برآه می اندازند در مورد این نزدی بزرگ تنها بدعائی اکتفا می کنند و آنها برای فریب زحمتکشان "در تمام طول تاریخ جامعه طبقاتی هرگاه که عدالت و قانون و دادگستری مطرح شده باشد بیکار هم نخواهد یافت که به این نزدی یعنی غارت زحمتکشان به بهانه مالک خصوصی بودن اشاره ای شده باشد و همه جا این نزدی را بخترمانه و قانونی و بسر اسرار عرت و عادت مردم یاد کرده اند و عموماً اگر برای داخواهی از دست مالک خصوصی که ثمره عمر زحمتکشان را بغارت برده است به دادگستری مراجعه کنید با خنده خشار روی سرده و یا بحرم انقلابی بودن روانه شکنجه گاه خواهید شد که نیست بیکار بگویند مالک نیست خصوصی یک نزدی آشکار است تا بپسین اقدام طبقه حاکم چگونه به رفته می افتد و با شما چه میکنند - حال اگر یک کارگر تهیست به ذره ای از اموالی را که خود تولید کرده است دست درازی کند ببیند که دادگستری چقدر قانون برای آن وضع کرده است و چه تنبیهات عظیمی برای آن در نظر گرفته است و چه بهای گرانی برای آن باید بپردازد و دولتیان و حاکمان مالکیت خصوصی چگونه روی خود را تری میکنند و از انصاط اخلاقی و نساد و نزدی و بی نری هنگی کارگر فقیر ابراز بیژاری میکنند و آنها که چنین نیشن از این مآثره اموال غارت شده شد معبود روشن است که نزدی را می نهند و زبان درازی برای افتای آن دارند اما وقتی که از نزدی بزرگ خوشتان صحبت شود خود را به کودنی و بلاغت می زنند چنانکه خمینی جلا خود را به کوری و کوری می زند و این حامی بزرگ سرمایه داران و امپریالیستها در منطقه ثمره رنج زحمتکشان را به سرمایه داران و مالکین خصوصی یعنی بزندان بزرگ جامعه طبقاتی تقدیم می کند و فریبکارانه می گوید یک مسوی کوخ نشینان را به مدعا کاخ نشین نمیعد اما در تمام سخنرا تنها بی حامی مالکیت خصوصی و نزدی آشکار آنان بوده است و علناً و بدون هراس از چانهای به تنک آمده زحمتکشان

از تبار و سرمایه داران و مالکیت خصوصی دفاع میکند پس می بینیم این رندترین بزندان هم نمی تواند با کلمات ریاکارانه و فریبکارانه ما موریت خود را که همانا دفاع از مالکیت خصوصی و دفاع از طبقه حاکم است پنهان دارد - در پس عبا و عنامه و تشبیه و سجادش لعین زار حمایت از مالکیت خصوصی نهفته است و اگر بگوئیم کلیه حاکمیتی که از زمان تقسیم جامعه به طبقات تاکنون با چهره های متفاوت بر اریکه قدرت تکیه زده اند همه یک بیض می گفته اند و آن اینکه مالکیت خصوصی محترم است - واقعیت امر را بیان کرده ایم - از کوروش و داریوش گرفته تا رضاخان قلمرو محمد رضا شاه دیکتاتور و عیثی خون آشام همه و همه حاکمان مالک خصوصی بوده اند - زندانها مملو از کاست که این قاننون را محترم شمرده اند و بر علیه آن آگاهانه و ناخودآگاه عمل کرده اند - "زفانی" که تمامی پرونده ضرورتان به اندازه یک ساعت نزدی سرمایه داران بنگین و آبرویاخانه نیست سالها و ماهها در زندان میمانند اما سرمایه داران مرد در خادگامی فارغالب می چزند و زوین و آشکار است که نزدی کار پسندیده ای نیست ولی حیرت آور است که چرا نزدی برای فقیران و تهیستان منع است و مکافات فراوان دارد برای آنان که روز و شب در حال غارت نیروی کار جوانی و طراوت و نشاط و عمر مردم هستند هیچگونه محدودیتی قائل نمی شوند - البته واضح است که دادگستری برای حفظ حرمت مالکیت خصوصی در جامعه طبقاتی بوجود آمده است و برای آنست که زحمتکشان و فقیران را سرچاپان بشناند انکار بنفس آنان را بکشد تا خیال نکند که خود باید حق خویش را باز ستاند - صورتک عدالتخواهی بر چهره بزندان حاکم بزند و سر مردم را عیبه بمالند که خود طرفدار عدالتند و گرنه حتی یک قانون هم بنفخ زحمتکشان در آنجا یافت نخواهد شد حتی قوایتین ظاهرالمانی هم که موجود باشند و ظاهراً در خدمت زحمتکشان باشند بسیار ناچیز و آند کاسته و برای زنده ماندن و بهره نعی آنان وضع شده و در پس آنها هم میتوان فریبکاری طبقه حاکم را مشاهده کرد - و هزاران قانون علناً طرفدار چپاول مردم در آنجا وجود دارد و اصلاح خود برای ادامه چپاول کارگران و زحمت کسان است پس در جامعه طبقاتی عدالت یعنی دفاع از مالکیت خصوصی زندان یعنی جانشین برای تنبیه کاستی که نظم موجود را بهم زده و به اموال سرمایه داران دست درازی کرده اند و با مالکیت آنها را زیر سوال برده اند و برای سنجوع و برای جلوگیری از مرگ کودکان و خوشتان از گرسنگی ستم به اموال بغارت رفته خود دراز کرده اند - حکومت و دولت یعنی نهادی که تسلط مالکین خصوصی بر زحمت کسان و فقیران را تامین می کند و مانع از شورش و نیام غارت شده ها بر علیه غارتگران می شود و قانون یعنی نوجبه نزدی و غارت طبقه بهره کش و ستمگر و ارتش چماق سرکوب چپاول شده گان توسط چپاولگران و بهمین سبب سباه و کمیته و ... تلویزیون و روزنامه همه آنچه متعلق به طبقه حاکم است در خدمت

همه آنچه متعلق به طبقه حاکم است در خدمت حفظ نظم موجود و ادامه نزدی مالکین خصوصی از تولید کنندگان مستقیم و برای حفظ مالکیت خصوصی بر وسائل تولید است و کلماتی مانند عدالت آزادی برابری و برابری و ... همه همه آنچه از زبان طبقه حاکم می شنویم فروغی بیین نیست و بوسه بر دست و پای زحمتکشان که می گویند برای فریب آنانست و گرنه کمتر می گفتند اما بیشتر عمل می کردند و نروای و نخبه ای غارت گریستگان و فقیران را متوقف می کردند و بوسه بر دست و پای کارگران ارزانی خودشان وقتی که کارگران برای مختصر اضافه دستمزدی که حق طبیعی و بی چون و چرا - بشان است اعتراف می کنند کارخانه را بخون نمی کشیدند و کارگران را به مسلک نمی بستند تا لافل این بروغیان اندکی در پرده بماند و فاش نشود یا وقتی کوخ نشینان قسمت کوچکی از زمین بی گران مالکین را برای ساختن سرپناهی مآثره میکردند کوخ را بر سرشان خراب نمی کردند تا باور کنند که لاقسل حکومت مالکین خصوصی اگر نه یک سوی آنها بلکه مدعا زحمتکش را فدای یک کاغذ بنام سند مالکیت (سند نزدی) خود نمی کند - پس بوجود آمدن مالکیت خصوصی تنها یک اتفاق ساده نبود بلکه اساس جامعه را تغییر داد یعنی اولاً جامعه به دو طبقه اصلی تقسیم شد که بین آنها جنگی مداوم و مستمر و آذنی ناپذیر در جریان است و با بوجود آمدن طبقات و کیفه با پای ناپذیری که طبقه محروم نسبت به طبقه غارتگر و دارا دارد لزوم وجود دولت هم احساس شد و رفته رفته دولت بوجود آمد یا ارتش و زندان و ... و ضمانت دیگری برای سرکوب و ادامه تسلط و برتری طبقه حاکم و اندیشه ها و فرهنگ خاص شکل گرفت و فلسفه های متضاد متعلق به طبقات متضاد بوجود آمد و همه توان طبقه حاکم برای تعمیق و فشار بر طبقه محکوم بکار گرفته شد و با بوجود آمدن مالکیت خصوصی بعنوان پایه و اساس روابط اجتماعی و اقتصادی شکل و محتوای جامعه تغییر کرد افکار و اندیشه های جدیدی پدید آمد حرم و آژ و ثروت ندری خودخواهی و فردگرانی و فدا کردن دیگران برای منافع خود زمینه مادی و عیثی پیدا کرد و رشد نمود و دیکتاتورهای خون آشامی پدید آمدند که سابقاً در جامعه اشتراکی نخستین اصلا زمینه مادی برای پیدایش آنها نبود زیرا همه بلحاظ مادی برابر بودند و مالکیت بر وسائل اشتراکی بود عقل های جدیدی بوجود آمد مثل نشا میگری و مباحثی و حسابداری و نگهبانی و سرابرداری و مشاغل دیوانی و حکومتی و ... سخی که ریشه همه آنها اداره امور این نزدی بزرگ بود و دستگاها ی حکومتی روز بروز عریض و طویلتر شد و کاغهای بزرگی برینسک کشید پولهای زیاد آوردی که از ثمره غسارت زحمتکشان در نزد مالکین خصوصی انبار می شد زمینه رشد کارهای غیر تولیدی بسیاری را ایجاد کرد مثل مشاغل فوق نفاذ بین کارگری و بدی عمیقتر شد شاعران برابری و انگلهای اجتماعی زیاد شدند - بقیه در صفحه ۱۷





طبقات ..

بقیه از صفحه ۱۶

پس بوجود آمدن مالکیت خصوصی یک اتفاق ساده نبود بلکه چون ریشه‌ای بود که بر روی آن برخت نمودندی روئید این ریشه مالکیت خصوصی تنه آن طبقات و شاخ و برگ آن افکار و اندیشه‌های مصور و میوه شیرین آن مایه حیات یعنی عد برای مالک خصوصی و سنگینی آن بر دوشیای اسوار زحمتکشان قرار گرفت. چون تولید نعم مادی احتیاج به وسائل دارد و وسائل تولید در دست مالک خصوصی است پس آنانکه مالک این وسائل نیستند باید بر ای دیگران کار کنند و مالک خصوصی نان بخورد و نمیری آنقدر که زنده مانند به انسان میدهد و بقیه را مارت می‌کند بر اساس این اختلاف منافع جنگ بین تولید کننده و مالک خصوصی نرمی گیرد و مالک خصوصی از ثمره غارت زحمتکشان استفاده نموده برای خود مزدورانی اجیر می‌کند که نگهبان او باشند گشائی را استخدام می‌کند که دانه مسلح باشند سرلی حفظ مالکیت او تلاش کنند و مالکیت او را افزاین دهند و گشائی بنام حقوقدان استخدام می‌کند تا این نزدی را قانونی کنند و گشائی را استخدام می‌کند تا در وصف این رتدگی سنگین شعرهای زیبا بگویند و تلخی آنرا در کام زحمتکشان از باستان میسرند و متغولندان کنند توارهای میبندل و هنر بازاری را ایجاد کرده و مست می‌دهند تا زحمتکشان لحنه‌ای فرا- موش کنند و باید ستان جنگ بردارند و سر براه شده به این نزدی تن در دهند و در جنون جنسی و شهوت پرستی مالخویلیائی آنان سرا فرو برند هروغانیون را بخدمت می‌گیرند دین را بخدمت می‌گیرند و تفنگ و توب و تانک را بخدمت می‌گیرند تا کینه نهفته زحمتکشان آشکار نشود قریب بخورند و کار کنند و دم‌بر نیارند از این سو زحمتکشان با شکمهای گرسنه در این جنگ مداوم و مستمر آبدیده عده در پس دیوارهای سکوت هنر و فرهنگ مبارزاتی خود را پرورش داده هر از گاهی چون جیل برعلیه مالکین خصوصی قیام می‌کنند و ندی بجلو می‌روند تا در محو کامل مالکیت خصوصی از روی زمین پیروز شوند و قریبکاری های مالکین خصوصی تاثیر کوتاه مدت خود را از دست داده فقر و مرعوبیت و کار و رنج آنان را آموزش میدهد و استثمار بی‌اندازه آنانرا به تنگ آورده قیام می‌کنند و ترفند های مالک خصوصی چون بیخ آب میشود.

پس بوجود آمدن مالکیت خصوصی یک اتفاق ساده نبود و چهره جامعه و اساس جامعه را تغییر داد. جامعه دو شقه عد ( داراوندان) فرهنگ دو شقه عد ( پویا و ایستا ) فلسفه دو شقه عد ( معتقد به تغییر و علاقمند به سکون ) هنر دو شقه عد هنر خواهر که فرم گرا و سرگرم کننده بود و هنر عوام که پویا و مبارز بود و ... که همه در حال جنگ پنهان و آشکار با یکدیگرند.

وقتی که می‌گوئیم اقتصاد زیربنا است از اینروست یعنی هر مناسبات اقتصادی مناسبات اجتماعی خصوصی را ایجاد می‌کنند و افکار و اندیشه جهت تکاملی همیزان ترک و آگاهی را تعیین می‌کند و چنانکه دیدیم هر تغییر دیگری که در سطح جامعه رخ میدهد تابع این تغییر اساسی است و مالکیت خصوصی که در هر دوران شکل خاصی بخود می‌گیرد روابط اجتماعی مخصوص بخود را هم می‌زاید مثلا وقتی مالکیت خصوصی بر زمین وجود دارد جامعه به معناتان و اشراف تقسیم می‌شود و سایر طبقات و اشراف زیر تسلط فرهنگ و روابط این دو طبقه اصلی قرار دارند و اشراف حکومت می‌کنند و همه چیز از فرهنگ و هنر تمدن و ... که در این جامعه دیده می‌شود تحت الشعاع منافع طبقه اشراف و نجبا و فتوالها قرار می‌گیرد و از این روابط اقتصادی زائیده می‌شود. یا وقتی جامعه به دو طبقه اصلی کارگر و سرمایه‌دار تقسیم شده شکل مالکیت خصوصی مالکیت بر وسائل تولید صنعتی و کارخانه است لذا همه افکار و عقاید و دولت و قانون و ... همه چیز تحت الشعاع این روابط اقتصادی و زائیده این روابط اقتصادی است و همچنین در جامعه اشتراکی نخستین و جامعه برده‌داری هر کدام بر اساس مناسبات اقتصادی مخصوص بخود مناسبات اجتماعی خصوصی نیز دارا بوده‌اند که با تغییر روابط اقتصادی روابط اجتماعی نیز تغییر می‌کند.

هر شکل خاصی از مالکیت خصوصی که روینا- ی خصوصی برای خود می‌زاید یک فرمایسون اقتصادی - اجتماعی نامیده می‌شود. فرما - چون از نظر لغت یعنی صورت بندی یا شکل بندی و مجموعه‌ای از شکله و صورتها و فرم ها را که با یکدیگر مناسبت داشته و از نوعی هماهنگی برخوردار باشند یک فرمایسون می‌گو- یند اما در اصطلاح جامعه‌شناسی فرمایسون به یک مجموعه هماهنگ از اشکال اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیکی گفته می‌شود که با یکدیگر مناسبت داشته باشند و هماهنگ باشند. مثل فرمایسون اقتصادی - اجتماعی برده‌داری یا فتودالیسم یا سرمایه‌داری. در هر یک از این فرمایسونهای اقتصادی اجتماعی شکل مالکیت با ایدئولوژی و سیاست حاکم هماهنگ است و طبق قوانین تکامل این فرمایسون تا مدتها بلحاظ کیفی ثابت میماند و زمانیکه زمین- های مادی تغییر در آن ایجاد شود بفرمایسون اقتصادی - اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

اساس هر فرمایسون را مناسبات تولیدی ( روابط تولیدی و ساخت اقتصادی یا زیربنا ) تشکیل میدهد و اساس مناسبات تولیدی را شکل مالکیت تعیین می‌کند.

مناسبات تولیدی یعنی روابطیکه انسانها در جریان تولید با یکدیگر برقرار می‌کنند. این روابط نه تنها بین انسانها ضرورتا برقرار می‌شود بلکه بین آنان و وسائل تولید نیز برقرار می‌شود.

روابط تولیدی در جریان تولید ضروری است یعنی مستقل از اراده و آگاهی انسان

است. و انسان برای اینکه تولید کند باید و ضرورتا مجبور است در این مناسبات وارد شود. یعنی کسی که می‌خواهد از گرسنگی نمیرد باید به کار تولیدی دست بزند با آنکه وسائل در اختیار داشته باشد که بوسیله آن بتواند ثمره کار دیگران را بخود اختصاص دهد مقدار مزد در کلیت خود به اراده او بستگی ندارد و شکل توزیع محصولات به اراده او بستگی ندارد و چگونگی مالکیت بر وسائل تولید شکل توزیع محصولات را نیز تعیین می‌کند. و شکل مالکیت تعیین می‌کند که او جزو چه طبقه‌ای باشد و الا اگر این مسئله به اراده و آگاهی انسانها بستگی داشت هیچکس حاضر نبود جزو طبقات فقیر و ستمدیده باشد پس روابطیکه انسانها در جریان تولید با یکدیگر برقرار میکنند بستگی مدرسه به شکل مالکیت دارد. و وسائل و ابزار تولید و انسانهای که وسائل تولید را بنا بر بیاندازند نیروهای تولیدی جامعه خوانده می‌شوند.

نیروهای تولید (مولد) عبارتند از:

- ۱- وسائل و ابزار تولید
- ۲- انسانها با مهارت‌های خاصان
- ۳- بعضا علوم نیز جزو عناصر تشکیل دهنده نیروهای مولد گردید.

روابط تولیدی و نیروهای مولد روپهم کلیتی را بنام وجه تولید ( شیوه تولید ) ایجاد می‌کنند. که اساس فرمایسون را تشکیل میدهد و برپایه آن روییای حقوقی و سیاسی جامعه برپا میگردد. اما اساسی‌ترین رابطه- ای که تمام روابط دیگر اجتماعی را تعیین می‌کند مناسبات یا روابط تولیدی است و اساس مناسبات تولیدی را هم مناسبات مالکیت تشکیل میدهد. یک فرمایسون اقتصادی - اجتماعی برای همیشه پایدار نبوده و جای خود را به فرمایسون اقتصادی - اجتماعی دیگر داده است چنانکه فرمایسون اقتصادی - اجتماعی برده- داری جای خود را به فتودالیسم و فتودالیسم جای خود را به سرمایه‌داری داد فرمایسون - هائی که همه بر اساس بهره‌کشی استوار بودند و در همه این فرمایسونها که طبقات دارا و ندار تشکیل دهنده آن بودند یک قرارداد ظا- لمانه همیشه بین مالک خصوصی و تولیدکننده بسته شده که طبق آن تولید کننده با وحشت از نجبا و روزهای تیره گرسنگی به زیر سیوع مالک خصوصی رفته است و قرارداد را متحمل شده است که بموجب آن تا آخرین رمق خود را میدهد و بالاترین سرمایه انسان یعنی جان و جسمی میریزد و در عوض لقمه نانی برای زنده ماندن خود و خانواده‌ای بخت می‌آورد. مالک خصوصی از این طریق سرمایه‌های کلانی به جیب می‌زند و از آنجا که زحمتکشان هیچگونه اختیاری در عقد این قرارداد ندارند و آنجا که یکسره به ضرر زحمتکشان و به نفع مالک خصوصی است مایه جنگی طولانی و تعیین کننده بین ایندو قلمب میشود جنگی که در همان ابتدا- ای ظهور مالکیت خصوصی نطفه‌هایش بسته شده و



### گرامی ...

بقیه از صفحه ۲۴

خاستگاه و پایگاه طبقاتی خود در مقابل این خواست‌ها کمیت عکس العمل نشان میدادند مباره ای چون سگان ست آموز بر طویل‌های تریاری دم می‌چینانند و موجب انبساط خاطر تریاریان و حکومتگران می‌شدند پاره‌ای گهگاهی به مدح ارباب پرداخته و جواز زندگی در خارج از تریار می‌گرفتند و تعداد انگشت‌شماری نیز چون حریق بر گریبان حاکمیت می‌افتادند و زنده گی را برایشان تلخ و ناگوار می‌کردند به آنها بیداری توده‌ها پرداخته و حاکمان زمان خود را دننام گفته و تحقیر می‌کردند و گروهی زحمتکشان و فقیران را ستایش کرده در وصف آنان شعر و نغمه و موسیقی می‌آفریدند با توده‌ها بودند و آنان را به خورش و قیام دعوت می‌کردند و چهره رسوای حکومت را در سر هر کوی و برون با هنر خویش جار می‌زدند و چنان یکتا با او درمی‌افتادند که حکومت از آنان وحشت کرده به قتل و یا زندان و تبعید آنان رضا میداد و گاه آنان را در آتش افکنده می‌هوزانند و پاره‌ای را منگ کرده ست و پای آنان را قطع کرده عزیزان آنان را می‌بریدند و لبان نشان را میدوختند و با آنقدر در زندان نگه میدادند که کور شده و متاع خود را از دست میدادند و مفرق‌ترها هم با اعدام و تیرباران و آمبول هوا تلب این عاشقان مردم را نشان می‌رفتند به آن هنریکه مورد تایید و خواست طبقه حاکم بود هنر مجاز بازاری و بطور کلی هنر حوام یا هنر طبقه حاکم می‌گفتند - در این هنریک منگ محوری مطرح است و آن تمثیل وضع موجود در اسرار است لذا با تعبیر و تحول اساسی مخالف است تا هرگونه خورش بر علیه وضع موجود به سبزه برمی‌خیزد و رسالت آن انحراف آنها - ن مردم از وضعیت اسفبار زندگیشان است و برای این منظور به سرگرم کردن مردم به مسائل دیگر مپیردازد و در هر نیاز انسانی و اجتماعی بی‌خطرترین و منمرف‌کننده‌ترین و مبتذل‌ترین شیوه پاسخ به این نیاز را بر می‌گزیند مثلا در رابطه با نیاز به عشق در زندگی انسان عشقی مبتذل و سرکوبه‌ای و حیوانی را تبلیغ می‌کند به ترانه‌های مجاز در سراسر دوران تسلط محمدرضا شاه دقت کنیم که مسئله مطرح شده از جانب آنان چیست با نغمه‌ها و رمان های مجاز در سراسر این دوران چیزی جز تبلیغ فراموشی و تعدیر توده‌های مردم نیست - هنر خلقها یا بعدت سرکوب‌شده و یا عناصر مترقی آن نهی و فرم آن بشکل فریبنده‌ای با تقویت اجزا تعدیری و انباشتن آن از محتوای مورد لزوم طبقه حاکم اشاعه می‌یابد - پاره‌ای‌ها -

فست اندیشان عاقبت خواه چیزی به مردم گویند در خدمت گویا مردم که آنها نه تنها مردم بلکه خود آنان هم نمی‌فهمند و چنین هنری به عنوان هنر انقلابی جا زده می‌شود و پاره‌ای جسته گریخته چیزی می‌گویند و خاموش می‌شوند لذا خبری از هنر مترقی و مردمی که بتواند آلام و دردهای مردم تحت‌ستم را بیان کند و در میان زحمتکشان همدرده و وحدت را تبلیغ و حرکت را توصیه کند وجود ندارد و طبقه حاکم که تا مغز استخوان هنر را بخدمت گرفته است تبلیغ عدالتی سیاست‌ها را می‌کند و در این دوران نوکران بچیره مواجه می‌شوند و در این چرخه که سنک این هنر را به سینه زده در مقابل تبلیغات حاکمیت توده‌ها را علی‌الحد کرده و هنر مبارز را می‌گویند و روشن و آشکار است که سود چنین عملی نصیب چه کسی می‌شود - و در جامعه طبقاتی ایران وضع هنر همیشه در وجه غالب به اینطور بوده است و تنها در دورانی انقلابی رشد هنر عوام و هنر مبارز و مردمی میسر گردیده است و غالب بوده است اما این پیروزی دیری نمانده که دوباره از دست رفته و هنر مبارز زیر سبب‌ترین فشارها فرار گرفته است یعنی همان مثال بعد از انقلاب مشروطیت دوره ای از شکوفایی هنر مبارز و پویا فرا رسیده و برخی تحولات کمی و تفریحی در دایره هنر و ادبیات و در تمام سطوح جامعه به تغییرات کیفی تبدیل شده نمود عینی واضح تری نیز می‌باید و سپس با نفوذ ارتجاع و ناکام ماندن انقلاب در پس‌برده عققان و دیکتاتور سرکوب‌شده به رشد خود با افت و خیزهای متعدد و بسا وضعیت جدید و گندی مخصوص این دوران ادامه میدهد و سبب خود را با هنر حوام و طبقه حاکم کماکان ادامه میدهد تا کودتای ۲۸ مرداد که بطور کلی بساط این هنر برچیده شده و هر گونه خودنمایی آنرا سرکوب می‌کنند و ارتجاع و امپریالیسم حاکمیت مطلق یافته ترکتازی می‌کنند و بازار از هنر مبتذل و بازاری تخته‌بری و ملو از تسلیم و زاری پر می‌شود و صدای بر علیه آن بغفرت و بسیار کم شنیده می‌شود ترس بر همه حاکم است در چنین شرایطی است که آذرخش جوان و شاعر و هنرمند انقلابی خلقی چون یار فدائی دیگرش صد پا بمیدان می‌گذارد رند و فریاد می‌زنند " نفس‌های جسته گریخته کافی نیست هباید خطر کنیم " سعید سلطان‌نپور

غنی و موثر آنها را در نیاید نوازشی منفلی میان ارزشهای هنری و رشد فرهنگی مردم برقرار سازد و مثل بیشتر استادان منجمر دانشگاه‌ها و هنرمندان مرفه تلویزیونی از سر رفاه و ترحم مردم نوازی کند - به میان مردم نرسود در افاق مردم نشینند با مردم نباشد و نشوند به حرفهای مردم گویند نغمه و چون فدائی‌ناشناخته از فضای مرفه و روشنفکرانه خویش با اشاراتی خداوندانه به حل و فصل قشری مسائل محرومیت و فقر بپردازد - عدالتی کند و بنده نوازی بیاموزد عملا گرایشهای فرهنگی خرده - بورروائی داشته باشد ... هرگز نمی‌تواند مفهومی واقعی از طبقه داشته باشد - و بدینسان هنرمند جوان چون حرفی بر دامان حکومت ننگین شاه درآویخته بود و بسا نمایش تنازهای مترقی و مردمی گام‌های وسیعی در انقائ جنایات طبقات حاکم برداشته به‌رشد و آگاهی مردم کمک می‌کرد در جماع هنری حاضر میشد و با خودفروختگان به حکومت مطلقه درآویخته آنان را انقائ می‌کرد و عروک‌کان خیمه شب‌بازی نام پرافتخار سوسیالیست را بعنوان نقض به او خطاب می‌کردند و او آرام نمی‌گرفت با سلطان را بهم می‌زد و فریاد خلق را در هر کجا که حضور می‌یافت از گلویش می‌پنیدی و با آغاز حماسه سیاهگل تولدی تازه یافته شعرهای حماسی و مبارزانه به دهان نیروهای مترقی و مبارز می‌گفت و به کوری چشم سانسورچیان حکومتی اشعارش سینه به سینه حفظ می‌شد و اوین و نصر سیمادگا مشیران دریند پذیرا بش بود و اگرچه هر از گاه‌های آزاد می‌شد اما دوباره حرفی دیگر برانروخته و اسیر می‌گشت و هندها در زیر سیمانه‌ترین شکنجه مقاومت می‌نمود و لب نمی‌گشود و حلاج - وار قلب عاشقان را بمردم هدیه میکرد - او دیگر آهن و عقی بود با پیکره‌ای از استقامت چون بولاد - مادامکه از هر دهک نوارفروشی بر پرده هر سینما از رادیوی حکومتی و در تالارهای نمایش بلندگوی تعدیرکننده بورژوازی آهنگ تعمیق توده‌ها را پخش می‌کنند سعید آرام ندارد و سعید تا سرمایه‌داری حاکم است و مادامکه نفس می‌کند آرام ندارد لذا باید فریاد بزنند بر علیه این همه جور این همه خرافات این همه استعمار و ... و او - خاموشی نداشت و مدام می‌رود و فریاد می‌زد صدای رسایش بلندگوی طبقه محروم بود و نشا درمیداد :

" ... موسیقی از تسلیم و زاری و رویا های ناممکن و اندوه و تعدیر پر است ... "

" دریا ی سیاه بغارت می‌رود و ملت گرسنه است ... "

" مزارع سپید و شکفته بغارت می‌رود و ملت گرسنه است ... "

" نفس‌های جسته گریخته کافی نیست باید خطر کنیم " و او خطر را اعلام میکرد و تسن

بقیه در صفحه ۱۹

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق





## گرامی...

بقیه از صفحه ۱۸

بمناظره میداد و مبارزه را برگزیده بود و در هر کجا که پای می نهاد بلندگوی سرورمان و زحمتکشان بود چه در ایران و چه در خارج از ایران. هنوز خاطره سخنان آنتیپتس را صاحبان خارجی و داخلی او بیاد داشته و از شباهت حماسه و ارزش قلبی جریحه دار دارند.

تا نسیم انقلاب ایران وزید شبیای عمر را به میتینگ بدل کرد و حنار را به راهبیمانی کشاند و آنگاه که فرصت طلبان خائسین

توده ای لرزه برانداختن افتاده بود و سعید را دعوت به محافظه کاری و سکوت می کردند این آذرخس نوروزان بر سران باریدن می گرفت و با سرودن رنج مردم و با گفتن درد مردم جمعیت را یکپارچه عور و طنبیان کرده به خیابانها سرازیر می کرد و قلبهای پرکینه زیر سر برنا معمای محافظه کارانه شاعران و نویسندگان فرصت طلب و بزدل ملول و خسته شده تشنه زبان گویای درد عویش بودند و سعید در آنجا را می هرود و این هنر واقعی و نقی واقعی هنرمند مردم بود که سعید بارها و بارها آنرا ثابت کرده بود که خطر می کند و جانسی برای سکوت جانی برای ماساژات و جانی برای ترس در قلب بزرگ عاشقی وجود ندارد و این نقی هنر مبارز و مترقی و پیداهنگ در تمام دوران تسلط دیکتاتور بود که صد و سعید و ... پرچم آنرا بدوی می کشیدند.

پس از قیام حکومت ۲۲ بهمن و آن روزها ی پرشکوه فراموش نشدنی که هنرمند قدرت لایزال توده ها را بعینه تجربه میکرد هیولای جمهوری ارتجاع شکل می گرفت دیگر کار هنر ساخته بود و عنکبوت ارتجاع قرون وسطایی به ستاروهای قیام نار می نید و قیام عویش را در همه جا مسلط می کرد.

در اولین حرکات اعتراضی که بر علیه این جمهوری توسط کارگران و زحمتکشان صورت می گرفت سعید هم حضور داشت چون دیگر مردم با پلاکاردی در دست میتینگ را دور میزد و شعار را به مردم نشان میداد و آسان که خود گفته بود با مردم می نشست و با آنها می پوچید و می نوشتید و چنانکه در قلب زحمتکشان جای داشت در زندگی و مبارزه نیز در قلب حرکت و در متن مردم با جمهوری درآویخته بسوو دشمن منعی معلوم را دیگر بار باز یافتند و گریبان را زها نمی کرد در مرکز توماج در میدان آزادی فضای خون آلود و سوگوار ایران را در مرکز چهار سردار خلق ترکمن تکان داد و فریاد انبوه جمعیت میتینگ و همزحمتکشان از گدای هنرمند راستی بر فرق ارتجاع کوبیده شد - و رسالت عمر را بنمایش گذاشت یعنی تلخیصی از کلام مبارزه و تبلیغ هدفی مشخص و بیان رنجها و دردهای مردم - همان چیزی که از هنر انتظار داشت - او علاوه بر سخنرانی و شعرخوانی تخصصی دیرینه خود را

نکرده و نشات را نیز بخدمت زحمتکشان گرفته بود - او معتقد بود : " ... هیچ هنری چون نشات نمی تواند در آن ماهیم مبارز اجتماعی بسوزد و تاثیر گذارد ... " در هر نمایشنامه اگر پرسنارها و نماشاگران به مرحله تازه ای از فرهنگ مبارزه اجتماعی و فرهنگی نرسند هرگز کاری انجام نیاخته است ... "

نوعی از هنر نوعی از اندیشه لفظاً نبود

و برای چنین هدفی همانگونه که همیشه در نظر داشت نشات باید از کاخها، از سالنهای بزرگ پرخرج، از مخرج زائد و محتسازیهها و از زندان فرم بیرون می آمد و بمیان مردم می رفت - بهمین طریق محتوای نشات هم باید از مردم از متکلم مردم و از مبارزه مردم و از زبان مردم سرشار خود و راهگشا باشد و چیزی بیاموزد و ببینند را بکنند به جلو بکشاند و گونه سرگرمی است بهمین خاطر گروههای نشاتری سیار بر روی تریلی به اقفا نقاط غیر تهران فرستاده شدند هر نمایش " مرکب امریکا " بیشتر از هزاران نفر تماشاچی داشت محل نمایش آن فقیرترین محلات شهر - آن بود این نشاترها ضمن آموزشی مردم آنها را به حرکت واداشته به تظاهرات می کشانید .

در این دوران رسالت دیگری برعهده رفیق هنرمند بود و آن آموزشی هنرمندان جوان بود که چون حلقه نیرومندی گرداگرد سعید و اندیشه هایش را گرفته متقاتنه به راه او می رفتند - کلبها آغاز بند جمهوری هنوز نتوان جلوگیری از برگزاری این حرکات را نداشت پس فرصتی بود تا هنرمند حاضر عمر خود را قلمرو قلمرو در کام جوانانی بریزد که راه او را که راه مردم است ادامه بدهند و این محتوای با ارزشی با فرمهای بورژوازی کلنی ترس محور در نمایا بد انقلابی در تمام ایام انقلابیت و حرکت نوین می آفریند از اینرو کلنی ترس را به جلسه بحث و میز گرد تبدیل کرده بود در کلنی از برجستگی استاد هاز میز استاد هاز چهره عبور و منحصر دانشگاههای مرتجع خبری نبود و سعید در میان گردانتهای عمده بود

از نظم مندلیا هاز متکلم وحده هاز ترس نمره هاز امتحان آخر سال و همه جمعی های آموزشی بورژوازی خبری نبود اما یک چیز بود که در تمام کلتشای قبل دانشجویان نظیرش را ندیده بودند و آن عشق به آموختن و عشق سراپای محصلین و سکوتی برای دانستن و نهانی پر از سوال بود و دو چشم چون آتشی در چهره - ای صمم و جدی و قامتی استوار و موهائسی دیگر به سپیدی گرانیده یادگار زندان شاه - او عیبا را نیز تا دیروقت با دانشجویان جوانی می گفتارنید و گوئی فرصت کم خود را در یافته بود و از اینرو میخواست هرچه بیشتر منتقل کند و نشات مستعد را که بعنوان بهترین کار هنری در رشته نشات می شناخت آموزشی بعد - آموزشی که خلق نمره ای را میدهد و امتحان را باید در میدان خوش و جوانیبه و خانی آباد و محلات فقیرترین شهرهای ستمزده کرستان و بلوچستان و ... پس داد - نمایشی که خلق سناریوی آنرا با زحمت و عرق جبین

عویش می نویسد - پس دیگر هنرمند یکپارچه متعلق به مردم است از آنان می آموزد و به آنان امتحان می میدهد و کاخهای هنر فریبنده و تعدیری و جدا از مردم و برج عاج هنرمند ان و هنر انگل را فرو می ریزد و بدین شکل نمایشنامه " عباس آقا کارگر ایران ناسیو - نال " سرگشت واقعی یک کارگر شرافتمند چنان خوب تصویر می شود و چنان در متن زندگی مردم شکافته می شود که همه تماشاچیان بسیار بی که به چندین هزار نفر می رسد به تظاهرات کشانده می شوند و رژیم تازه پای جمهوری سر - مایه ناچار به حمله به ضد تماشاچیان شده و با تیراندازی و ساعتها ترگیری نمایشنامه و تماشاچیان آنرا متفرق می کند - و بدینسان کلیه ادعاهای رفیق هنرمند در عرصه عمل بعین نشان داده میشود تا هنرمندان متفرقی که ادعا میکردند نسیم خواهند نشاتر بیشتر از چهل نفر تماشاچی داشته باشد تا بتوانند آنها را آموزشی نهند در پیابند که میتوان با بیان درد مردم از آنها آموخت و به آنها آموزش داد و هزاران نفر هم می توانند بشرطی که با زبان خوشان حرف بزنید و حرف حسابی هم داشته باشید آموزش ببینند و با حرکت خود شما آموزشی جدیدتری بدهند و ...

در آن مقطع بورژواگران ارتجاع حاکم راهی برای سرکوب این حرکت چاره اندیشی نمی توانند بکنند - چماق دارانی را که برای برهم زدن نمایشات می فرستند بوسیله خود مردم تقبیه میشود و یکبارهم که به تریلی حامل صحنه نمایش مرکب امریکا حمله کردند با همه بسیج خود به بازیگران دست یافتند و سعید که مثل جوجه فکلی های شتر فرقه هنر بورژوازی نبود براحتی قادر بود چندین چماق دار رژیم را تقبیه کرده از صحنه بگیرد و موفق به دستگیری او نشوند و پاره ای بازیگرانی را با ردیلاته ترین روشها به باد کتک گرفته و به کعبه بردند و ارتجاع کینه سعید را بخاطر همه کارهائی که کرده بود و همه کارهائی که میتوانست و قادر بود انجام دهد نردل می پرورد یکبارکه سخنرانی میکرد و فالانژها حمله کرده بودند در مقابل تقاضای کلیه گردانندگان سخنرانی او حاضر نبود سخنرانی را ترک کند و با همه خطراتی ایستاده بود و درست زمانیکه موفق شده بودند صحنه را بهم بزنند و در آخرین لحظات با مهارت یک انقلابی آرموده صحنه را ترک کرده بود بی آنکه نشانی از او بیابند چنانکه خود گردانندگان نیز تا روز بعد از او اطلاعی نداشتند .

سعید خود را در همه جا تقسیم کرده بود و در همه جا موفق بود چنانکه در گان نون - بسندگان مترقی نیز از فعالترین اعضا و از گردانندگان انتخابی این گان نون بود و مومنگیریهای بجای او در مقابل خائنین به آرمان طبقه کارگر و فرصت طلبان و بطور کلی در مقابل حکومت در جهت گیری سیاسی این گان نون نقش بسزائی داشت و بسیاری از هنرمند ان او را سرفش خود قرار داده از او می آموختند - فعالیت او در هر یک از این ایام



# گرامی... بقیه از صفحه ۱۹

گسترده و موثر بود چنانکه هر بخش از نما-  
 لیت او آموزشهای بسیار است.  
 هنرمند انقلابی خلق علاوه بر آثار هنری  
 که از خود بجا گذاشت چون یاریگری صمد  
 بزرگترین هنر او زندگی بود و چنانکه خود  
 معتقد بود " هنرمند خود محصول هنرمندان دیگر  
 ملت است... " بهرستی شایسته این نام بود  
 و او محصول هنرمندان زحمتکشان است و هدیه  
 زحمتکشان به انقلاب خونبار ایران بود و چون  
 هنرمندان هموزم خوبی در سراسر جیل ارتجاع  
 تاب تحملش را نداشت. چنانکه جمهوری سرمایه  
 روز بروز بر مفقرات مملکت ایران بیشتر تسلط  
 می یافت و او در غرب غروسی ای دستگیر کرده و  
 چند ماه بعد و فرستاد اولین اعدای مهملای  
 گسترده سی خرداد جشن را به خلق ایران  
 تحویل دادند و خبر شهادت را در تمام گناه ۳۶  
 خرداد سر سفره زحمتکشان نهادند. حکومتی  
 که هنر گریمه تسلیم و زاری است بیشتر از  
 این برای مردم نمی تواند بارمندان بیاورد و  
 امروز چنانکه می بینیم تپکتا توری عمان  
 گسیخته حاکم تنها هنر مرتبه خوانی و نوحه  
 گویی و خرافاتی را تبلیغ می کند و هنر فرمعا-  
 ری گورستانها و بناهای مقبره ها است و موسیقی  
 آن اشک و انماس و تسلیم و زاری است و این  
 مردهگان تاریخی که از گورستان تاریخ سر بر  
 آورده اند چون اشباح با هر زنده ای سر ستیز  
 دارند و امروز نیز بر دوش هنرمندان همان  
 رسالت تاریخی نهاده شده که خطر کنند و به  
 میان مردم بروند با مردم باشند و با مردم  
 بیوشند و بنشینند و هنر زنده و فعال و مبارز  
 را تبلیغ کرده آثار خود را چون سمیه بیه  
 - لانی علیه حکومت سرمایه و ارتجاع و خرافات  
 و هنر عقب مانده او تبدیل کنند.  
 و بیاد داشته باشیم این سخن هنرمند  
 شهید را که می گفت هنرمندان "... مردانه و  
 فرورمند با زمینه های منفی خوبی گلویز کردند  
 تا مگر پیوند ابدان با مردم پیوندی را در  
 مردانه باشد و بتواند ای امیل از خون و مرگ  
 برگیرد. هنرمند باید همانند هنر خوبی از  
 فروغ و تیرنگ دور باشد..."

ایران  
 غیر امیر پیشه ی مشرق  
 جنگل تمام با نهای رهانی را  
 بر شاخه های سوخته ی خود وزیده است  
 جنگل میان بود  
 جنگل میان داد  
 جنگل میان آن مغرب دویده است  
 نوارهای خون  
 مثل نرخت منفر خورشید  
 تا قلعه های شرق میانه رسیده است  
 تا قلعه های غرب میانه رسیده است  
 و خون آسیا  
 بر نارهای سرخ بلوچستان

بر آبهای خسته معشور  
 بر خاکهای مرده بیوق چکیده است  
 جنگل بر از صداست  
 جنگل بر از تهاجم خونین بانهاست  
 .....



## طبقات ..

بقیه از صفحه ۱۷

هر روز عمیقتر و واضحتر و سنگرانه تر  
 میخورد و تا مادامیکه از مالک خصوصی مالکیتی  
 را که غصب کرده باز پس نگیرند و او را سر جای  
 خود ننهند و مالکیت وسائل تولید را اکثر  
 اکی نکنند و آنرا در خدمت همه قرار نهند  
 این مبارزه ادامه خواهد داشت. حال که این  
 جنگ بیوقفه و مبارزه طبقات تنها با اعتراکی  
 کردن ابزار و وسائل تولید پایان نمی گسرد  
 چرا لشکر عظیم زحمتکشان و فقیران گرسنه و  
 توده های مردم فرسند به این جنگ هزاران ساله  
 پایان نمیدهند و پیروزی نهایی بدست نیارند  
 هاند چرا عورشهای بردگان ستندیده با آنها  
 آرزوهای دور و دراز رهائی از بند ستم بیه  
 آزادی آنها منجر شد و نظامی استثمارگر و  
 مراتب ستمکارتر جای حکومت برده داران را  
 گرفت و... بالاخره چرا قیام شکوهند ۲۲  
 بهمن علیرغم تمام جانفانیهای مردم زحمتکن  
 نتوانست که هر سرمایه داری را و بنیاد  
 مالکیت خصوصی بر وسائل تولید را نابود کند  
 و همین نماینده تجار عقب مانده بمثابه  
 ارتجاع مجسم بر سر نوشت جامعه ما برای مدتی  
 حاکم گردید و چرا همین نمی تواند حکومتی  
 را تشکیل کند و پایه حکومتی یک لحظه بر روی  
 زمین بند نعیسود و در حال فروریختن است  
 و چرا این معنی آگاهانه و با خود بخودی که  
 مدام و مستمر در جریان تولید خود را نشان  
 میدهند و در روابط اجتماعی به اشکال مختلف  
 بروز میکنند یکباره به انقلاب منجر نمیخورد و  
 فراماسیون های اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر  
 استثمار یکی پس از دیگری جایگزین یکدیگر  
 شده اند؟  
 واقعیت اینست که آرزوهای ما برای جامعه  
 ایده آل و عاری از ستم طبقاتی اگر منطبق بر  
 قوانین تکامل نباشد خیالات پوچی بیش نیستند  
 چنانکه در تمام طول تاریخ آنها که در آرزوی  
 ایجاد مدینه فاضله (جامعه ایده آل) بوده  
 اند چون بر اساس قانونتمهیا ی رشد و تکامل  
 جامعه برنامه های خود را تدوین نکرده بودند  
 تنها قصه ها می گفتند و امروز تنها ترکتابها  
 مانده اند مانند مدینه فاضله افلاطون و...  
 اما مالکیت خصوصی طبق قوانین رشد و تکامل  
 جامعه بشری بوجود آمده و در موقع معینی با  
 قهر انقلابی توده ها از بین خواهد رفت و آن

زمانیست که زمینه های مادی آن بوجود آمده  
 باشد و طبقه ای که می تواند و انجام و ثنوری  
 و برنامه اداره جامعه اعتراکی و مالکیت  
 عمومی بر وسائل تولید را داشته باشد بوجود  
 آمده و قوی شده باشد و تمرکز مالکیت بر  
 دست عده ای قلیل به حد اعلا خود رسیده باشد.  
 و نیروهای تولید، بعدی رشد کرده باشند که  
 مناسبات مالکیت و روابط تولیدی دایره تنگی  
 برای تکامل آنها باشد و بدست و پای آنها  
 زنجیری شده باشد. در این موقع یک دوره  
 انقلاب اجتماعی فرا می رسد. در یک فرامسیون  
 اقتصادی - اجتماعی همیشه نیروهای مولد  
 بسیار سریعتر از مجموعه فرامسیون رشد  
 می کنند و خود برای تشکیل یک فرامسیون اقتضا  
 دی - اجتماعی دیگر و متکاملتر با مناسبات  
 تولیدی کهن در تضاد شدید می افتند و با فراهم  
 شکستن مناسبات کهن تولید نیروهای تولید  
 مناسبات یا روابط تولیدی جدیدی ایجاد کرده  
 و روبنای خاص خود را بوجود می آورند و در  
 چنین حالتی یک انقلاب اجتماعی رخ داده و فرما-  
 سیون اقتصادی - اجتماعی جدیدی جای فرماسیون  
 ن کهن را گرفته است.  
 برای جایگزین شدن مناسبات تولیدی جدید  
 باید شرایط مادی آن در چهارچوب جامعه قدیم  
 بعد بلوغ رسیده باشد و همه زمینه های مادی  
 یک تحول در چهارچوب مناسبات قدیم شکل می  
 گیرد و زمانی یک تحول رخ میدهد که این  
 شرایط مادی با شکل گرفته باشد یا لافل در  
 عرف شکل گرفتن باشد. این زمینه های مادی  
 عبارتست از بوجود آمدن ابزار تولیدی جدید  
 و عوض شدن وضع نیروهای تولیدی و بوجود آمدن  
 نهضت لازم و شکل و آگاهی برای یک تغییر.  
 مثلا سابقان مالکیت خصوصی بر زمین و غیر  
 و گاو کار شکل خاصی از روابط را می طلبید  
 یعنی فئودال صاحب زمین و گاو و زمین بود و  
 رعایان پراکنده بر روی زمینهای اربابسی  
 کار می کردند و در چهارچوب تنگ رستا مناسبات  
 ت فردنی و اقتصاد خود کفا داشتند ولی بسا  
 بوجود آمدن ماعین بخار و ایجاد مافوقا کتور  
 ها و کارخانجات دیگر زمین وسیله منسده  
 تولید نبود و صنعت جدید طبقه جدیدی بوجود  
 آورد که وابسته به زمین نبوده. دارای -  
 انجام و نظم بود و در چهارچوب مناسبات  
 فئودالی نمی توانست به رشد خود ادامه دهد  
 این ابزار تولید جدید و عوض شدن وضع  
 نیروهای تولیدی و بوجود آمدن یک طبقه دیگر  
 زیر رهبری بورژوازی و مناسبات بورژوازی  
 توانست فرامسیون اقتصادی - اجتماعی جدیدی  
 را تشکیل دهد بنام سرمایه داری که روبنای  
 مخصوص بخود را نیز ایجاد کرده و گسترش  
 داد و تولید کنندگان را مجتمع کرد و بسا  
 رشد و تکامل ابزار تولید و یکپارچگی کامل  
 طبقه کارگر و تمرکز مالکیت بر حد اعلا آن  
 زمینه های مادی تغییر این فرامسیون نبسز  
 فراهم شده است و اما باید همواره در نظر  
 داشت که فعالیت انسانهاست که تمام این





بالاخره...

بقیه از صفحه ۱۲

ولی اینک این ترنمها افشاء شده است و خلق به یاری پیشاهنگان خود فرصت یافته است مورا از ماست بکشد و چهره فریبکاران را افشاء کند. به این سلطنت ظلمان خدا نقلایی باید گفت شما غصه دار دزدیده شدن اموال خلق نباشید. به نزدی و خیانت و اعمال خدا نقلایی خود ادامه دهید. خلق خود با شما و تمام خدا نقلاییون غالب و مغلوب تسویه حساب خواهد کرد.

روزی نامه مذکور حقایق دیگری را که با می استار همیشه روی آن انگشت نهاده است بازگو کرده است و آن عبارتست از چیره خواری خوانین بر سر سفره رنگین امیرالایم جبهانی البته بمقتضی امیرالایم خوانین را بر سر سفره دعوت نمی کنند بلکه استخوانهای جویده شده را بسوی آنها پرتاب می کنند.

"بر این جلسه با اتفاق آراء سران بلوچ آقای میرمولاد سردار زهی رئیس سابق جبهه و امان الله بارک زهی عضو جبهه را بعلمت تکروی و تمسای غیر مجاز با بیگانگان و عدم مدیریت و سوء استفاده مالی (سرقه آشکار) از وحدت بلوچ اخراج و عین گزاری امضاء شده به سفارتخانه های نینف و روزنامه ها ارسال گردید." (تأکیدها از ماست)

این تصمیمات در همان جلسه ای گرفته شده که با می استار ۲۳ آنرا افشاء کرد و سرقته را نیز قبلا ما افشاء کرده ایم.

مولاداد و امان الله باران با بیگانگان یعنی امیرالایمها تمسای غیر مجاز گرفته اند یعنی بدون اطلاع بختیار خود را جای دیگری نیز فروخته اند و این بیگانگان همان سفارتخانه ای است که "وحدت بلوچ و رئیس بعدی آن با مجوز بدان گزاری می دهند" سفارتخانه های نینف و انگلیس و عراق در کراچی چه نفی نه وحدت بلوچ دارند؟ و چه حسابی در جبهه!! وحدت بلوچ باز کرده اند. نینف بودن که ما آنرا سرپرستی و وابستگی این خائنین به امیرالایم می نامیم در پرورشی سرچرخه و نخبیره خائنین است که چنانچه خلق برمد برنگونی رژیم جمهوری اسلامی یعنی حکومت مطلق امیرالایم در حال حاضر برآمد آنها بموقع بتوانند این نخاثر خود را با نقاب انقلابی و مبارزه وارد معرکه کنند و رهبری انقلاب را بدست اینها بپارند. نفع آنها ادامه

راه کارگر اگر اندکی به پرنسیپهای انقلابی در جنبش پایبند مانده باشد قطعاً باید بداند که برخوردهای مغرضانه و توأم با نغاشی در شان یک سازمان سیاسی نیست. راه کارگر اگر اندکی به پرنسیپهای انقلابی در جنبش پایبند مانده باشد قطعاً باید بداند که مجاز نیست کسانی را که از سوی سازمان ما بشناخته خائنین به جنبش معرفی شده اند و بر ضربات سال ۶۰ که منجر به شهادت تعدادی از اعضای کمیته مرکزی و دیگر کارهای برجسته سازمان ما گردید مسبب اصلی شناخته شده اند به صفوف خود بپذیرد. راه کارگر اگر اندکی به پرنسیپهای انقلابی در جنبش پایبند مانده باشد قطعاً باید بداند که هیچ سازمان سیاسی مجاز نیست فرد خائنی را که در ضربات زمستان ۶۰ سال ۶۲ به سازمان ما نقش مهمی داشته ولی اطلاعیه ۲۵ تیرماه سال ۶۳ خطاب به کارگران، اعضا و هواداران سازمان از وی به عنوان کبوتر پرنسیپی یاد شده و از کلیه نیروهای هوادار سازمان خواسته شده است که چنانچه ارتباطی با فرد مذکور دارند ارتباط خود را با وی قطع کنند و یا هرگونه اطلاعی در مورد وی دارند این اطلاعات را فوراً در اختیار سازمان قرار دهند و با وی ارتباط نداشته باشند. اما در عوض این اطلاعات را بخواهید سازمان ما قرار نهد و حتی نسبت به تکبیر او را بی بزند که با جعل کلیشه های تریبیات سازمان ما صورت گرفته است. این اعمال در حقیقت رواج بی پرنسیپی در جنبش و پشت پا زدن به پرنسیپهای انقلابی و بغالت در امور سازمانها دیگر است. آیا حقیقتاً راه کارگر از ماجرای ۲ سال پیش مجاهدین و مزدور خائنی که مملعه دست رهبری مجاهدین شده بود چیزی جز رسوائی و بی حیثیتی عاید آنها نند درس لازم را نیاموخته است؟ راه کارگر قطعاً باید بداند که ما نسبت به خائنین به طبقه کارگر و سازمان فره ای گفتن نخواستیم کرد و از اینرو به راه کارگر هشدار می دهیم که در تمام توطئه های بورژوازی خود را گرفتار نکنند. هم آوازی با بورژوازی و خائنین به طبقه کارگر علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بردارد. کسانی را که از سوی سازمان ما بمقتول خائنین به جنبش معرفی شده اند از صفوف خود طرد کند و هرگونه اطلاعاتی که در مورد ضربات زمستان ۶۲ و عنصر خائنی که به شتاب کبوتر پرنسیپی در خدمت رژیم قرار گرفت آنرا در اختیار سازمان قرار نهد و از این اعمال و عیبه های غلط و غیر اصولی خود رسماً انتقاد کند. مادام که راه کارگر از این برخوردهای غیر اصولی خود انتقاد نکند هرگونه مناسبات را با وی قطع می کنیم و از کلیه نیروهای سازمان و هواداران می خواهیم که هرگونه رابطه ای را با این سازمان قطع نمایند.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۱۳/۷/۶۸

وابستگی و غارت خلقها است که بدست این مکرر ان میسر است.

اما زهی خیال باطل دیگر خلق آنقدر به ماهیت این دون صفتان آبرویافته آشنا است که مرز خود را با آنان کشیده و از نسبت دادن این خوانین به خلق بلوچ بچشم آمده و هرگز تن به بندگی مجدد خوانین نخواهند داد. این خلق با ترفتن سرخ در دست برای ترمیم تمام سرمایه داری عزم جزم کرده است و اجازه نخواهد داد هر نوع خیانتی و خودغرضی باسم آنها انجام گیرد و سرزمین آنها به این و آن فروخته شود. حال بگذار مدتی ۲۸۰۰۰۰ دلار به امان الله باران بدهد و عراق اسلحه ها بیاورد. به کام این مردار عوار سرازیر کند میگذازد مولاداد نیز مانند هزاران سرمایه دار زالود صفت و بقیه سلطنت طلبان پسرانش را فرکالنج های مدرن انگلیس به تحصیل بگمارد. فرزندان خلق در دانشگاه مبارزه طبقاتی به فراگیری علم مبارزه و تانکیکهای ریشه کن کردن تمام امیرالایمها و جبهانی متغولند کالجهای انگلیس آن توان را نخواهند داشت که در مقابل سنجگاه مبارزه طبقاتی تاب و توان پروروی فرزندان مولاداد را داشته باشد میگذازد باران به بریدن گوش آزاده عقیق متغول باشد دیر تیرت آروز که خلق گردن امان الله باران و آزاده عقیق را بشکند و برای همیشه ایران را از لوث وجود این غارتگران پساک کند.

لستهای خلق فرکار است و بدر انقلاب را برپا کند به سازمان تعوی خود در کمیته های مخفی مقاومت و تدارک قیام مغضول است. در تدارک قیام شکومندی که خمینی دیگری نشان نخواهد بود آن واقعه دردناک را در بدست گیری قدرنگاز جانب خمینی صورت گرفت را مجدداً تکرار کند. این بار نوبت مرک سرمایه داری و قدرت با بی سوسیالیسم است.

هشدار به...  
بقیه از صفحه ۱

"عورای ملی، مقاومت" و باند ضد انقلابی اکثریتبها ی خائنین ملی، اطلاعیه ای به تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۶۸ با نغاشی و توهین به سازمان به این موضعگیریها و اقدامات ضد فدائی خود جنبه رسمی بپذیرد و با دفاع از تمام خائنینی که طی چند سال اخیر در ضربه زدن به جنبش طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نقشه نمائی داشته اند موضع خصمانه خود را نسبت به سازمان آشکار نمود. این اقدامات راه کارگر نا آنها پیشرفته است که حتی به پرنسیپهای انقلابی نیز پشت پا زده و به دفاع آشکار از خائنین برخاسته است.



کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم



### گزارش

بقیه از صفحه ۲۴

تجان میدهد. مقامات جمهوری ری اسلامی که به عیب بارها برای انتقام گیری از خلق و ایجاد رعب و وحشت نابودی سازمان های سیاسی را اعلام داشته اند همدنی بعد مجبور شده اند برای جلوگیری از تعالیبست نیروهای انقلابی جلسات و تفتیش و کیسبونها تشکیل بدهند و آنها و مدعا قلمنا... و سخنانه صادر کرده همه روسای ادارات و سایر ارگانهای فدائیان خود دستور دهند تا مراقب فعالیت نیروهای انقلابی باشند.

جمهوری اسلامی بیخود آب دریاون می کوبد و تلاش عیب می نماید نه تنها جمهوری اسلامی بلکه هیچ نیروی اهریمنی دیگری قادر نیست حرکت تاریخ را باز دارد. مبارزه ای که بین طبقات متخاصم برگیر است با نخره به پیروزی طبقات انزلی و نابودی طبقات مرتجع و ضد انقلابی خواهد انجامید. طبقات خدا نقلابی و حکومتها. وقت فقط ممکن است در سرعت مبارزه طبقاتی تاثیر کند کننده سرائی مدنی محدود داشته باشند ولی هیچگاه قادر به جلوگیری از آن نیستند.

گرچه جمهوری مخالف اسلامی در پی حملات و حقیانه و ددمنفانه ضربات سهمگینی بر پیکر نیروهای انقلابی وارد آورد اما این ضربات در مقابل حرکت تاریخ آنقدر حقیرند و این موفقیتهای جمهوری اسلامی همانقدر در نجاست جمهوری اسلامی کار سازند که سرکوبهای و حقیانه شاه برای نیابت رژیم پوسیده اش کار ساز بود نیروی انقلابی ضربات وارد بر پیکر خود را فوراً ترمیم می کند و خود را برای صفای باطن انقلاب تجهیز و سازماندهی پولادین می نماید. جمهوری اسلامی که از وارد آوردن قربانی می چند بر سازمان و هواداران می مدهوش شده بود اما هیچوقت خطر عظیمی را که از سوی این سازمان رهبر طبقه کارگر تهدید می کند از یاد نمی برد. جمهوری سرک خود را با شروع فعالیت کارگران انقلابی و زحمتکشان و در راس آنها این سازمان می بیند و با انتشار حدود باسوی اسرار و افزایش فعالیت هواداران در مختلفه رژیم نیز بر فعالیتها و فدائیان خود مینویس بر شناسائی هواداران افزوده است اما از سوی دیگر وحشت سراپای آنها فرا گرفته است. به تعقیب و مراقبت افزوده است ماسومان خود را بهرسو گیل میدارد پیوسته بخسانه و قلمنامه صادر میکند و نسبت و جلسات ترتیب میدهد بطوریکه نسبت اخیر بدنال بخش اعلامیه های سازمان چریکهای فدائی خلق توسط هواداران رزمنده و فعال در منطقه بوده است در اواخر اردیبهشت ماه حدود هزار (۱۰۰) اعلامیه و تراکت در رابطه با رادیو صدای فدائی در سطح شهر زاهدان و منازل و در تاریخ ۱۵/۴/۵۰۰ عدد اعلامیه با همین مضامین در شهر سراوان و در اول خرداد المنیبه سازمان خطاب به کارگران و دهقانان و سربازان

ان در مورد جنگ ارتعاشی در شهر زابل پیش گردیده است. از این گذشته انتشار منظم با می اسرار حربه کوبنده ای بر پیکر رژیم جمهوری اسلامی محسوب میشود علاوه بر اینها عملیات مسلحانه ای که به مناسبت چهلمین روز شهادت فدائیان شهید سعد و سالگ سرد شهادت فدائی خلق فدائی انجام گرفت و آنها و آنها عمل انقلابی دیگر موجبات وحشت رژیم را در منطقه فراهم آورده است. برای نشان دادن واضحتر وحدت رژیم ما اقدام به طرح یک گزارش از عملیات موفقیت آمیز یکن سرراوان می کنیم.

یک نیم مونی از پیام آوران جان برکف انقلاب هواداران سازمان را شناسائی غیسی اقدام به یکن شبانه اعلامیه های سازمان می کنند که هر کلمه ای بجمی است بر پیکر نروت و ارتعاشی جمهوری است و هر حرفش ندای نابودی دستگاه ظلم و جور و احتشای حاکم و خونن وسیله ای است آگاهها برای روشن نمودن زحمتکشان به وجود نیروهای سیاسی و هواداران سازمان و سازمان رزمنده فدائی. عاشقان رهائی زحمتکشان و همکاران فدائی انقلاب ساعت ۲/۵ غف ۱۵/۴/۵۰ دقیقه عملیات بخش اعلامیه سازمان در مورد رادیو صدای فدائی به دست زحمتکشان را قهرمانان به انجام رساندند. رفقای رزمنده چهار منطقه از شهر را بر پیشوا اعلامیه گرفتند بودند عملیات بخش موفقیت آمیز بود. در آخرین لحظات بخش باساران سرمایه که وسیله تلفن یکی از حزب الهیها از بخش اطلاع یافته بودند هراسان و وحشت زده به منطقه می آیند. نیروهای انقلاب که قبلاً تعداد کمه چیز را دیده بودند با تسلط کامل و برتر بر کمان خونسر دی بگونه ای عقب نشینی می کنند که دشمن از حضور آنها مطلع نگردد.

تیم یکن مونی با هیاری تمام بعد از بخش موفقیت آمیز عالم به پایگاههای خود باز میگردند اعلامیه ها بیست توده های مردم رسیده بود و باساران مونی به جمع آوری حتی بکدانه از آنها نمی روند. روزهای بعد در سطح شهر توده های مردم خبر بخش اعلامیه توسط فدائیان خلق را بهیچدیگر میدادند و از آن محبت میکردند و ابراز خوشحالی میکردند.

مقامات امنیتی و سرکوبگر رژیم و رؤسای دو-ایر دولتی و عورای امنیتی در محل فرماندهای ری جلسه ای تشکیل میدهند و وحشت خود را با صدور یخسانه به تمام ادارات نشان میدهند پاسداران هم اینک عیاً تروز به کت زنی مشغول هستند تا ارتباط فدائیان و توده ها را قطع کنند مغافل از اینکه این پیونددیری است با خون ایجاد شده است. فدائیان برخاسته از میان کار و رنج و زحمتند و این پیوند ناگسستی است و هیچ نیروی را نتوان نابود کردن آن نمی باشد.

بگذار جمهوری اسلامی تا آخرین لحظه حیات خود در وحشت دائم بسر برد انقلاب راه خود را باز شناخته است و با سرعت بیسوی نابودی نظم سرمایه و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق گامهایی شتابان بر میدارد.

گرچه جمهوری اسلامی در نهایت قادر نیست جلو حرکت انقلاب را سد کند اما نباید ضربات کوبنده ای که از سوی خدا انقلاب بر پیکر انقلاب وارد میشود لحظه ای نادیده گرفته شود و هو-عیاری خود را از دست داده بی خیال باشیم که جمهوری اسلامی کاری از پیش نمی برد. ما باید با توجه به قانونمندی های سیر پیشرفت مبارزه طبقاتی عمل کنیم و از هرگونه اعمال ماجراجویانه و مفرورانه بسور باشیم. با مناسبت و حوصله پروتستی بر قانونمندی های تکامل مبارزه نکند کنیم و در این برهه وظیفه خود را بدانیم و بدان عمل کنیم تا در مراحل بعدی وظایف بعدی را بخوبی احسن انجام دهیم. وظیفه ما در برهه کنونی از وضعیت جنینی ناشی میشود. قیامی شکوهمند را پشت سر گذاشتیم و قیامی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در پیش داریم. انقلاب و ضد انقلاب برای تعیین سرنوشت جامعه در دسترس می باشد. خدا انقلاب ما تمام توان خود به سرکوب توده ها مشغول است. برای نابودی

انقلاب آنها تحریک می کند تا به مسلخ کشتن از پیشرفته ترین عیوه ها برای نابودی توه های مستحکم انقلاب استفاده می کند. سازمانهای سیاسی مدافعین سرخست انقلاب و طبقه کارگر و سوسیالیسم در آماج خدا انقلاب قرار دارند. رژیم علاوه بر سرکوبهای فاشیستی به تعقیب و مراقبت های سنجیده دست می زند. از ضعیفترین حای رفته شروع میکنند تا سرخی بدست آورد در عین حال که باسدارانش آشکارا در شهر بگت زنی مشغول هستند جاسوسان و ماسوران مخفی اش به تعقیب و مراقبت می پردازند و از کیبوترهای برقی برای عکار انقلابیون و سایر کیبوتران آزادی استفاده می کنند.

در چنین شرایط رعایت اصول مخفی کاری جایگاه ویژه ای در تداوم مبارزه و حفظ پویا و رزمنده انقلابیون دارد. ما باید تمام حرکات پلیس را زیر نظر داشته باشیم و سر عیوه های تعقیب و مراقبت آن بهر عیوه آرایین نیرو و تعداد نفقات سازماندهی، محل زیست عناصر مخفی و علنی پلیس و جاسوسان و پاسداران آشنا باشیم و هنر مبارزه با پلیسی سیاسی را فرا گرفته باشیم.

مخفی کاری ارتباط لاینفکی با سازماندهی دارد. برای هر نوع عملیات سازماندهی خصوصی لازم است که بتواند مخفی کاری را تا-مین کرده و عمل حقی المقدور موفقیت آمیز صورت گیرد. تنها حربه برنده و چاره ساز ما در معاف سرمایه داری سازماندهی مناسب و تشکیلات است. هرگونه اعمال در این زمینه و نادیده گرفتن ریزترین نکات ممکن است ضربات جبران ناپذیری بیار آورد فراموشی است اردیکه در جزوه خطاب به هیلعین آمده است در مورد عملیات بخش و شناسائی بسیار مفید است و خواندن آنها به تمام رفقا توصیه می کنیم و در اینجا به ذکر چند نکته بسنده می کنیم.

در مورد عملیات بخش و شعار نویسی باید قبل از هر چیز به منطقه یکن کاملاً آشنا بوده و از افرادی که در بقیه در صفحه ۲



تسیه ت قیل



عملیات پیشمرگان فدائی در منطقه باهه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روزهای چهارم و پنجم ماه پیشمرگان فرمان فدائی موفق شد با انجام یک رشته عملیات هماهنگ شامل عملیات مس گداری و حمله به پایگاه مزدوران تعدادی از نیروهای سرکوبگر رژیم پهلوی در باهه سرسبز دریا باگه سرسبز با سه هلاکت رساند و سختی آری باگه مذکور را درهم کوبید و طبع همین گزارش دسته ای از پیشمرگان با زمان محل استقرار گروه تاس باگه سرسبز را ماتی پیش از استقرار مزدوران این پایگاه و مینگداری گرد و پاره کمی با این ششده در هماهنگی با این رفا دسته ای دیگر از پیشمرگان از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ ظهر در جهت حمله به پایگاه اصلی سرسبز در منطقه ای نزدیک به آن استقرار یافته و حرکات دشمن در این پایگاه را زیر نظر گرفتند ساعت ۱۲ صبح در جهت حمله به این گروه تا مس جهت مرست به اماکن استقرار خود را باگه خارج شده بودند و سرزدیکی محل تا مس به کسب پیشمرگان فرمان عملیات فدائی و با آتش سی مان سلسله ای آنان که از هر طرف سر و پا می پاره می نمودند در همین زمان پیشمرگان سرکوبگر که برای استفاده از موقعیت مناسب جهت تیراندازی و ممانعت از رفتن و با انفعال این مس مزدوران کشتی قدرت سرکوبه تا مس رسانده بودند و یکی از مسهای کارگذاشته شده رفت و با انفعال این مس مزدوران کشتی قدرت سرکوبه استکار عمل و حرکت را از دست دادند همزمان با این عملیات قهرمانان دسته ای دیگر از پیشمرگان فدائی که از ساعت ۳ تا ۵ صبح در منطقه ای نزدیک پایگاه اصلی سرسبز مستقر شده بودند با تلیک موتک آری پی و کشتیهای مسلح و سه سگین خود سروری باگه عملیات مرستی خود را آغاز کردند طی این مراسم با کسب کلیه مراکز حساس پایگاه مذکور زیر ضربات کوبنده سلاحهای پیشمرگان فرمان فدائی قرار داشت دشمن کاملاً ناعلمگردد و قدرت واکنش و مقاومت را از دست دادند ساعت ۱۰ صبح در جهت حمله به این گروه کسب ما مورب مرید به مزدوران پایگاه با موقعیت کامل مقتضی سرزد کرد در این زمان رفا ای گروه کسب ما مورب مرید به مزدوران تا مس حاده را با سروری به پایمان رسانده بودند و با آتش لازم به مواقع تعیین شده حمله به دشمن کردند و به دیگر رفا فرمان خود پیوسته در مستحکم روستاهای منطقه که از جنبش تلنگها همواره کوس برک ستاس عملیات پیشمرگان افلاسی این فرسردان دلبر بودند با آغوش باز و گه گری از پیشمرگان سازمان را استقبال کرده و با شادی حرم عملیات موفق آمرمان را سه سه بسته میگردد اند مزدوران سرکوبگر رژیم پهلوی را همواره پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مانده و رسول ناما آنها پس از آنکه رفا منطقه درگیری را ترک کرده بودند همچنان اطراف پایگاه خود را محاصره می کردند و دو سواره و ربر سلیک سلاحهای سنگین و سگین گرفته بودند و خوشحالی در این عملیات قهرمانان سه گانه گشته و زخمی شدن تعدادی از نیروهای دشمن و دستگیر شدن و سختی آری باگه سرسبز را با مذکور پس از مسی به رفا ای پیشمرگ سازمان وارد سیمادین گزارش داده شد عصر همان روز در اثر انفعال و سگین دستگزار مجموعه مسهای کارگذاشته شده توسط رفا ای پیشمرگ سازمان در سرزدیکی پایگاه سرسبز یکی از مزدوران دشمن به هلاکت رسید با انفعال این مس دشمن فراساک از حمله مجدد پیشمرگان سازمان دیگر ناما آنها اطراف پایگاه را تا انواع سلاحهای سنگین و سگین و آری پی ۷ میکوبید و چرات بیرون آمدن آری باگه را نداشت.

طبقات ..

بقیه از صفحه ۲۰

حرکات و تغییرات را ایجاد می کند و با ترک از ضرورتها و شناخت قوانین تکامل می تواند این تغییرات را سریعتر کند . بطور کلی نتیجه می گیریم که در مرحله ای از رشد و تکامل ابزار تولید با افزایش سطح تولید تقسیم کار بوجود آمد و تقسیم کار مالکیت خصوصی را ایجاد کرد و وجود مالکیت خصوصی جامعه را به طبقات تقسیم بندی نموده مایه مبارزه طبقاتی بین طبقه حاکم و دارا و طبقه محکوم و نثار گردید این مبارزه دارای قانونمندیست در مرحله معینی منجر به نابودی مالکیت خصوصی خواهد شد . همچنین شکل مالکیت تعیین کننده روابط اقتصادی و ثروت نهایت تعیین کننده عقاید و فلسفه و سیاست و تمام ابعاد یعنی در افراد و طبقات مختلف است و روبنای جامعه را می سازد و کلا اقتصاد زیربنای است و تحولات جامعه تابع قانونمندی مخصوص تکامل جامعه بشریست . و مناسبات اقتصادی مناسبات اجتماعی را ایجاد و با یکدیگر تشکیل یک فرمایون اقتصادی - اجتماعی می دهند .

باید همیشه نیروهای مولد را از روابط تولیدی باز شناخت زیرا که نیروهای مولد ( تولیدی ) همواره سریعتر از مجموعه فرمایون رشد کرده و آماده تشکیل فرمایون جدید می شوند . مناسبات تولیدی مدتها ثابت میمانند در عین حالیکه نیروهای مولد سریعتر رشد نموده مناسباتی را که روزی با آنها هماهنگ بودند پشتر گذاشته با آن دارای تضاد آشتی ناپذیر می شوند .

سنگل از "رادبودای فدائی"

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
شماره ۳۴ - سیستان و بلوچستان



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



### گرامی باد خاطرۀ فدائی

هنرمند

### سعید سلطانپور

هنرمندان \* ... مردانه و غرورمند با زمینهای منفی خویش گلویز کردند تا مگر پیوند ایشان با مردم پیوندی را در مانده باشد و پستوانهای امیل از خون و مرک برگیرند هنرمند باید همانند هنر خویش از شروع و نیرنگ دور باشد \*

سعید سلطانپور

در تمام سالیان سیاه دیکتاتوری ایران و حکومتهای مطلقه و استبدادی تنها یک صدا ساز بود و آن تعلق گونی از طبقه حاکم و قبول برتریت و خداوندی او بود و همه باید به آن گردن مینهادند و هنرمندان نیز از این فاعده مستثنی نبودند حکومت پاره ای اوقات حتی به سکوت آنها اعتراضی داشت و از آنها میخواست که به خدمت او نروند و از همه جهت آنها را تحت فشار میگذاشت هنرمندان بسته به

بقیه در صفحه ۱۸



### طبقات چیست؟! ۲

مالکیت خصوصی پدید آمد و جامعه به طبقات تقسیم گردید. زورمندان و ریشخندان طبایفه اموال عمومی را به خود اختصاص دادند و زمینها و بردهگان را از آن خود کردند و بر سایر اعمال زور و فریب مردم و حاکمان خود داشتند مالکیت بر وسایل تولید را بدست آوردند از اینجاست که میگوئیم مالکیت خصوصی "حق" زور است یعنی حقی که در تاریخ بزور از مردم دیگر سلب شده است. اما چون مالکین خصوصی قدرتند و ثروتند بودند نزدی آنگاه خود را قانونی کردند چنانکه امروز شاهد آن هستیم و دولتها و حکومتهای ما با وقاحت تمام از این نزدی آنگاه حمایت می کنند

بقیه در صفحه ۱۶



یاد رفیق شهید فدائی خلق  
علیرضا بامری (ناصر)  
مسئول تشکیلات هواداران سازمان  
چریکهای فدائی خلق در سیستان  
و بلوچستان

### گرامی باد

رفیق ناصر زندانی دو رژیم سرمایه که دو رژیم سفاک شاه و خمینی شای جنون خویشی بر پیکر استواری فرو کوبیدند دو شکنجه گره دو جلاذ آرمانهای بلندی را در پشت میله های دیکتاتوری خویشی آزمودند و قربان رسایستی پیکر فرتوت آنانرا بلرزه برآورد اما این سروایستاده نیتقاد و با گلوله باران او در اردیبهشت ۶۷ تنها با نرس به جاودانگی پیوست و تاریخ گواه ارزشهای والای اوست و خلق از هر قطره خونش انتقام میکند \*

ما در شماره آینده زندگیمان رفیق را طرح خواهیم نمود \*



### کمکهای مالی

- ۳۳۶ شهید عقی محمد زمین الدینی ۸۰۰ تومان
- ۱۱
- ۲۰۰ تومان
- ۲۰۲ رفیق ۲۰۲
- ۱۲ نورایی ۱۲
- ۸۰۰۰ تومان ستاره سرخ
- ۴۸۰۰ تومان رفیق خسرو
- ۳۸۸۸ تومان فیضک
- ۱۷۳۰۰ تومان چگوارا
- ۹۶۰۰ تومان الف - ۵۳
- ۸۰۰ تومان ام - ام
- ۴۴۰۰ تومان تب گروک
- ۴۰۰ تومان ع
- ۴۰۰ تومان شهید صد
- ۴۰۰۰ تومان شهید صد حسین زهی
- ۲۰۰۰ تومان شهدای بلوچستان
- ۸۰۰ تومان شهید صد
- ۷۵۰ تومان سلیم کهرآزهی
- ۸۰۰ تومان ج - د
- ۴۰۰ تومان شهید زمین الدینی
- ۵۰۰ تومان شهید صد ۳ فراخوان مالی
- ۵۵۰ تومان شهید صد ۱ فراخوان مالی
- ۳۳۰۰ تومان فراخوان مالی

### گزارش پخش

در خردادماه جلسه مشترکی با حضور نماینده وزارت اطلاعات کل کشور و اطلاعات استان و رئیس شهریانسم کل کشور و شهریان استان تشکیل شد در این جلسه مسئله امنیت و نظم همکاری و وحدت عمل بین ارگانهای اطلاعاتی وزارت اطلاعات (ساوا ما) و شهریان گفتگو شد. در این جلسه رئیس کل شهریان با ما در حد فعالیت گروهکها (نیروهای انقلابی) تشدید شده و تشکیلات وابسته به آنها در این منطقه احیاناً ممکن است نسبت به عمل بزنند و از این سخنان خود نتیجه گرفت که همکاری برادران سپاه و کمیته با برادران شهریان اولین گام در جهت مبارزه با نیروهای انقلابی در منطقه است. این نشست بران نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و سراسیمگی و تشدید فعالیت پاندماران صد انقلابی و خون آغام بخوبی و وحدت جمهوری اسلامی را از فعالیت سرتاسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و هواداران این سازمان در منطقه

بقیه در صفحه ۲۳

## گرامی باد خاطرۀ شهدای بخون خفته خلق